همشهری ماه ■ شماره ۳۰ ■ ویژه‌نامه ایران‌شناسی ■ ویژه ولادت امام رضا(ع)
۶۰ صفحه ■ ۲۰۰۰ تومان ■ ISSN 1458 9 6354

همشهری ماه

ویژه‌نامه ایران شناسی
ویژه ولادت امام رضا(ع)

سرزمین من

در بارگاه سلطان
گذری بر تاریخ، هنر و نادیده‌های آستان قدس رضوی

دمیدن برای آفتاب
گزارش اختصاصی سرزمین من از نقاره‌زنی در بارگاه امام هشتم

وزارت رضوی
درباره تاریخچه ۴۰۰ ساله تشکیلات اداری آستان قدس رضوی



قرن‌هاست که خراسان متبرک به نام نامی کسی است که بر دل و زندگی مردم آن نقش بسته است. نام السلطان علی ابن موسی الرضا در مشهدالرضا محور همه هنرهاست و علاوه بر آستان مبارکش که جلوه‌گاه هنرهای ایرانی است، دل و دست هنرمندان بی نام و نشان شهر نیز بی نام و یاد او به کار نمی‌رود. سر در خانه‌های ایرانی همواره به یک آیه، یک حدیث یا یک اسم، متبرک می شد. اما کاشی لاجوردی سر در این خانه که در بافت تاریخی مشهد و در محله عارف نامی، پیر پالان دوز جای دارد، علاوه بر بسم الله و انا فتحنا و وَاِن یکاد، نام مبارک حضرت را نیز بر خود دارد و استاد اثری پرداخته که آنچه همه کاشی‌های سردر دارند، یک جا دارد. / عکس:محمدرضامیری



[اول دفتر]

بی‌نام رضا همیشه بی‌نام*

دعای گزافی نیست اگر بگوییم در خانه بسیاری از ایرانیان، فارغ از طبقه و درجه اجتماعی می‌توان عکس‌های زیارت مشهدالرضا(ع) را دید و سال‌هاست که «مشهدی» جزو القاب ایرانیان است. چه بسیار مردمانی که در جای جای ایران، سفر به نیت زیارت امام‌رضا(ع) از آرزوها یا برنامه‌های حتمی مسافرت آنهاست. گذشته از تاثیر این نام بر دل و زندگی عامه ایرانیان، دل خواص نیز در گرو این آستان بوده است. چه این خاص بودن ریشه در تمول یا قدرتی داشته و چه به دلیل فضل، علم یا هنری بوده است؛ از وصیت شیخ بهایی برای دفن‌اش در جوار حضرت و ارادتش به ایشان تا صف خدام تحصیلکرده امروزی، نمونه‌هایی از این دست هستند. در این میان به خصوص هنرمندان ایرانی نیز از دست و دل برای این آستان مایه گذاشته‌اند و آثاری بدیع خلق کرده‌اند و شاعران دوران مختلف نیز در نعت ایشان شعرها گفته‌اند و حتی شاعر ایرانی‌الاصلی چون ابونواس اهوازی که به عربی شعر می گفته یکی از اشعار متفاوتش با حال و هوایی دیگر در وصف حضرت است. گل سرسبد داشته ها چه معنوی بود و چه مادی وقتی قرار بر تقدیم می‌شد جایگاهی مناسب‌تر از درگاه حضرت نمی یافت. از آن سو بارگاه رضوی چنان پرشکوه و حشمت بود که نهادسازان عصر صفوی ساختاری طراحی کردند برای اداره آستان که میتوان آن را یکی از نمونه‌های برتر نظام اداری دانست. تمام اینها باعث شده است تا آستان علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)، علاوه بر جایگاه رفیع مذهبی به تجلیگاه دانش و هنر تبدیل شود و علاوه بر سرمایه معنوی مردم ایران نمونه‌ای بی بدیل از میراث ملموس و ناملموس فرهنگی ما باشد.

هشت آبان ۸۸ سالروز میلاد صاحب آستانی است که گرچه به ظاهر در ایران غریب بود اما آشنای دیرینه این دیار است. این شماره ویژه‌نامه ایران‌شناسی «سرزمین من» در مقابل عظمت آستان سلطان خراسان ران ملخی است در پیشگاه سلیمان. باشد که عمری باشد و توانی تا باری دیگر بتوان بهتر از این پیشکشی تقدیم آستان مبارکش کرد.

سردبیر

* مصرعی از سنایی غزنوی

۳۶ / وزارت رضوی

تشکیلات اداری آستان قدس رضوی نهادی با بیش از ۴۰۰ سال سابقه

هنوز بسیاری از کشورهای امروز جهان به وجود نیامده بودند و آن کشورهایی هم که بودند، جز چند سرزمین باستانی در شرق و غرب، نظام و سازمان درستی نداشتند که ساختار اداری آستان قدس با خدم و حشم و شکوه و تشریفات بسیار برقرار بود. شاید همه کسانی که به زیارت آستان قدس رضوی می‌روند، ندانند که این مجموعه، تنها یک آرامگاه نیست و یکی از قدیمی‌ترین ساختارهای دیوانی و سازمان‌های اداری ایران و جهان است که قدمت ۱۲ قرنی دارد و بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های امروزی ساختارشان را از این مجموعه وام گرفته‌اند.



۱۶ / پرندگان حرم رضا(ع)
کبوتران آستان قدس رضوی از محبوب‌ترین جانوران برای ایرانیان هستند



۲۴ / دمیدن برای آفتاب
گزارش اختصاصی از نقاره‌زنی در بارگاه حضرت رضا(ع)؛ سنتی که ۴۰۰ سال قدمت دارد



۴۴ / مردمی‌ترین موزه دنیا
۱۲ قرن است که مردم تماشاگر و اهداکننده آثار نفیس آستان قدس رضوی هستند



[همشهری ماه / ویژه‌نامه ایران‌شناسی - ایرانگردی / صاحب‌امتیاز: مؤسسه همشهری]

[گروه مجلات همشهری]

سیدمجید حسینی	مدیرعامل
سیداحسان جاهد	قائم‌مقام اجرایی
مسعود شاهمرادی	بازاریابی و توسعه بازار
سیدجواد رسولی، حمید باباوند	سردبیران ارشد
علی هاشمی شهرکی	مدیر ارشد هنری
امین مؤیدی	مدیر تولید

[ویژه‌نامه سرزمین من]

رضا مختاری	سردبیر
علی‌شهیدی، محسن‌ظهوری	تحریریه
حسین کریم‌زاده	دبیر عکس
شبنم رضوانی، رومیصا رهبر	ویرایش عکس
حامد جابرها	مدیرهنری
منصوربلدزاده، سعید غفوری	صفحه‌آرایی
فاطمه عطایی	اموداخلی

با سپاس از: امیر خوراکیان، علی ثابت‌نیا، محسن امیرنیا، سیداحمد هاشم‌آبادی، علی قندهاری، حشمت کفیلی، مریم حبیبی، علیرضا عیسی‌زاده، غلامرضا صابری، بهناز سیدی، حسن توکلی، علی اعیانی، مظفر دارابی، حمیدرضا حسینی، هانیه تقی‌زاده، روابط عمومی موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، روابط عمومی، واحد عکس، معاونت تبلیغات و ارتباطات، موسسه آفرینش‌های هنری و معاونت موزه‌های آستان قدس رضوی

نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، شماره ۱۰۱ کدپستی: ۱۵۸۵۶ **تلفن:** ۸۴۳۲۱۳۱۶ **روابط عمومی:** ۸۴۳۲۱۸۴۳ **آگهی‌ها:** ۸۴۳۲۱۸۱۲ **اشتراک:** ۸۴۳۲۱۸۴۳
ایمیل: www.hamshahrimags.com / sarzamineman@hamshahrimags.com **توزیع:** مؤسسه راه‌زندگی **چاپ:** هنرسرزمین سبز

گنبد خورشید

نمای دور این گنبد و گلدسته، آشنای چشم هاست اما شکوه و عظمت نمای نزدیک را کمتر کسی به چشم تجربه کرده است؛ شاهکار و یادگار هنر اصفهانیان در خراسان که از هر کجای شهر که بنگری و حتی از دور، این خورشید زرین را می‌بینی / عکس: محسن بخشنده



ضریح و زیارت دیروز

چند دهه پیش، گرچه دوربین تازه نیامده بود، اما هنوز تماشایش برای مردمان تازگی داشت و یکی از نخستین صحنه‌هایی که می‌بایست ثبت می‌شد، زیارت دوستان بود و عکس یادگاری با ضریح قدیمی آستان حضرت/ عکس: آرشیو روابط عمومی آستان قدس رضوی



خراسان رو به حجاز

هر روز پنج نوبت، خراسانیان و میهمانان در صحن سلطان در پشت گنبدی که او در زیرش آرمیده، رو به حجاز صف می‌کشند و احرام می‌بندند و به سجده می‌روند و باز برمی‌خیزند. گویی امام جماعت، خود اوست / عکس: سعید محمودی ازناوه



روز وصل دوستداران

باید جمعیت را شکافت و در دل مردمان کوچه ای باز کرد و پیش رفت و روی پنجه‌های پا بلند شد و قد کشید و دست‌ها را به ضریح رساند. بسیاری از آنان با آنکه بارها نزدیک ضریح شده‌اند اما هنوز شوق کم‌کردن فاصله با حضرت در دلشان تازه است/ عکس: سعید محمودی ازناوه



گواهی مشهدی‌شدن

در قدیم که هر کس برای خود موبایل دوربین‌دار یا دوربین عکاسی دیجیتال در جیب نداشت، وقتی نخستین بار به خراسان می‌رفت و مشهدی می‌شد، این واقعه را با انداختن عکسی در عکاسخانه‌های اطراف حرم در زمینه و نمایی از حرم مستند می‌کرد. امروز هم این سنت کم و بیش به حیات خود ادامه می‌دهد و به خصوص مکان‌هایی از آستان که عکاسی در آن امکان‌پذیر نیست، طرفداران زیادی دارد / عکس: احمد حلبی‌ساز



[طبیعت]

پرندگان حرم رضا

کبوتران آستان قدس رضوی از محبوب ترین پرندگان برای ایرانیان هستند

مرضیه قاضی‌زاده

زیاد دیده‌ایم‌شان؛ روی سقاخانه، داخل سوراخ سمبه‌های رواق‌ها، گاهی روی لوسترها و گاهی روی گنبدها. کبوترها آزاد و رها می‌چرخند و دور می‌زنند و هر کجا که دوست داشته باشند می‌نشینند. اینجا بارگاه امام هشتم شیعیان است و مکانی امن برای همه، حتی جانوران. تصویر کبوترها در گوشه گوشه حرم امام رضا(ع) آن قدر برایمان تصویر آشنایی شده که کمتر کسی به داستان زندگی آنها فکر می کند؛ اینکه از کجا آمده‌اند و داخل حرم چطور به زندگی‌شان ادامه می‌دهند؛ اینکه چرا با وجود احترام زیاد زائران به آنها، تعدادشان نسبت به گذشته کم شده. این پرنده‌های زیبا دیگر جزئی از حرم شده‌اند. بسیاری از زائرانی که از نقاط دور و نزدیک به زیارت این بارگاه می آیند، نذرشان را با غذا دادن به آنها یا آزاد کردن‌شان در آستان حضرت ادا می کنند.

عکس: سعید محمودی ازناوه



تقدیم به حضرت
به جز کبوترهای گذری، اکثر کبوترهای حرم عموما گران‌قیمت و باارزش‌اند، چرا که آنها را اکثرا مردم از کبوترفروش‌ها به قیمت بالا خریده‌اند تا پرنده زیبا و سرحال‌تری را تقدیم بارگاه حضرت کنند
عکس: مهدی قربانی

دلبرکان جَلد
کبوترهای حرم را تقریبا همه‌جای این بارگاه می‌توان دید؛ در صحن‌ها، رواق‌ها، ایوان‌ها، و حتی مثل این تصویر لای پاهای زائرین در کف حیاط. آنها دیگر به این محیط عادت کرده‌اند. گه‌گداری دور گنبد طلا می‌چرخند، به جای‌جای حرم سر می‌زنند و دسته‌ای یک‌جا می‌نشینند تا دوباره غذا بخورند
عکس: محسن بخشنده

«به آقا بگو به یاد من باشد.» این طرف صحن جامع رضوی خلوت است و پر از کبوتر؛ هر کدام گوشه‌ای نشسته‌اند و دنبال غذا می‌گردند. ولی آن طرف صحن جامع رضوی، رو به ایوان قبله قالی‌های قرمز سه متری پهن شده و جمعیت زیادی روی آنها نشسته‌اند. «لا اله الا الله» دوم که گفته می‌شود، پایان اقامه اذان ظهر است و نمازگزاران به نماز می‌ایستند. «به آقا بگو من را از یاد نبرد.» دختر دنبال کبوترهای گوشه صحن راه می‌رود و مدام با آنها حرف می‌زند. از آنها می‌خواهد که وقتی روی صحن و گنبد طلا پرواز می‌کنند، به امام رضا(ع) سلام‌اش را برسانند. دختر جوان از نیشابور آمده. می‌گوید زیارتش را کرده و کنار ضریح، درد دلش را با حضرت در میان گذاشته؛ «اما کبوترها خیلی به آقا نزدیک‌اند. همیشه کنارش هستند.»

حرم امن یار

صف نمازگزاران که پراکنده می‌شود، کبوترها به سمت رواق‌های دور صحن پرواز می‌کنند. گرمای آفتاب ظهر است و کبوترها سایه رواق‌ها را برای استراحت انتخاب کرده‌اند اما جنب و جوش آنها تمام نشدنی است؛ کبوترها گاهی از رواقی به رواق دیگر می‌پرند و گاهی هم به صحن دیگری سر می‌زنند و روی رواق آن صحن می‌نشینند؛ «رواق‌ها لانه کبوترها نیستند». علیرضا هاشمی – پرنده‌شناس همراه ما – این‌را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «کبوترها جایی برای لانه کردن داخل حرم ندارند. آنها یا روی گنبدها می‌خوابند یا لانه‌شان را جای دیگری بیرون حرم می‌سازند». به گفته هاشمی کبوترهای حرم یا کبوتر چاهی‌اند که توی چاه‌ها و قنات‌ها می‌خوابیده‌اند یا کبوترهای خانگی‌ای هستند که زیر شیروانی‌ها و داخل سوراخ سمبه‌های شهر لانه داشته‌اند. حرم، خانه اصلی این کبوترها نیست». با این‌حال دورتادور رواق‌ها و کنار ایوان‌ها کبوترهایی نشسته‌اند که تعدادشان هم کم نیست. در حرم حضرت تقریبا درون هر صحنی که باشی، فقط کافی است چشم بچرخانی و آنها را ببینی؛ چندتایی در حال پروازند و چندتایی هم کنار هم نشسته‌اند. پس این همه کبوتر چگونه به حرم آمده‌اند؟ احمد خطاییان خلیل‌آباد، خادمی است که همان موقع در صحن جامع می‌بینمش و سؤالم را این‌گونه پاسخ می‌دهد: «این کبوترها را مردم نذر کرده‌اند و وقفی حضرت هستند. می‌آیند اینجا ولشان می‌کنند و چون اینجا پر از کبوتر است جلد اینجا می‌شوند و می‌مانند. اینجا برایشان خیلی امن است».

کبوترهای رها

«همین امروز کلی کبوتر از تهران و ساوه آوردند اینجا ول کردند. کافی است کبوترها اینجا رها شوند تا ماندگار حرم شده و اینجا بمانند.» خادمی این را می‌گوید و ادامه می‌دهد: «یکی‌شان که از تهران آمده بود، معلوم بود که خیلی هم کبوترهایش را دوست داشت. باید می‌دیدی چطور با تک‌تکشان خداحافظی می‌کرد».

اما خیلی از کسانی که اینجا برای نذر ادا شده‌شان کبوتر رها می‌کنند، نگهدارنده کبوتر نیستند؛ «خیلی‌ها از راه دور برای ادای نذرشان آمده‌اند و کبوترها را همین‌جا در مشهد می‌خرند». خادم صحن آزادی می‌گوید که به محل فروش این کبوترها کوچه کفترفروش‌ها می‌گویند؛ «دو تا محل وجود دارد. زائران یا به کوچه کفترفروش‌های نزدیک حرم می‌روند یا می‌روند دروازه قوچان مشهد، روبه‌روی پاساژ نصر که بازار خیلی داغ‌تری دارد». می‌گوید خودش هم یک‌بار آنجا رفته؛ «قیمت بعضی کبوترها تا ۲۰۰ هزار تومان هم می‌رسد. البته خریدارها باید حواسشان باشد چون بعضی از فروشندگان کبوترهای خوبشان به میله جلوی سردر مغازه عادت کرده‌اند؛ برای همین هم این کبوترها را هرجا که رها کنند، باز هم برمی‌گردند و روی همان میله می‌نشینند».

از صحن آزادی گوشه‌ای از گنبد طلای حضرت مشخص است. روی گنبد اثری از کبوتر نیست، فقط گاهی کبوتری از کنارش پرواز می‌کند و آن‌طرف‌تر می‌نشیند. در این صحن کبوتر زیادی وجود ندارد؛ برای همین به گفته پرنده‌شناس همراهمان به سمت صحن اصلی حرم می‌رویم.

یکی از خادمین می‌گوید: «همین امروز کلی کبوتر از تهران و ساوه آوردند اینجا رها کردند. کافی است کبوترها اینجا رها شوند تا ماندگار حرم شده و بمانند»

خانم جوانی کیسه نایلون پر از گندمی را پرت می‌کند روی سقاخانه. اینجا صحن انقلاب است و بیشترین ازدحام کبوترهای حرم را می‌توان در همین صحن دید. خانم زارع مسافر تهران است و این چهارمین باری است که برای زیارت امام‌رضا(ع) به مشهد آمده. می‌گوید: «هر بار که می‌آیم مشتی دانه هم برای این کفترها می‌ریزم. اینها پاکند و گناهی ندارند. همیشه هم کنار حرم امام هستند». صحن انقلاب پر از پرنده است. درست است که بیشترین تجمع آنها را می‌توان روبه‌روی ایوان طلا، روی گنبد کوچک سقاخانه دید اما با کمی دقت، دیگر کبوترها هم به چشم می‌آیند؛ دورتادور رواق‌ها، گوشه‌های صحن و حتی میان پاهای زائرین. البته در گوشه و کنار این صحن گهگاه قمری یا کلاغی هم به چشم می‌خورد که برای پیدا کردن غذا بهترین مکان را انتخاب کرده‌اند.



پرواز در حریم حرم

این جانوران را باید معروف‌ترین حیوانات نزد ایرانیان دانست. بسیاری از زائران بارگاه حضرت، غذا دادن به این کبوترها را جزو مهم‌ترین کارهای زیارتی خود می‌دانند. جالب است که برای حفظ و نگهداری از این کبوتران، آستان قدس رضوی هم برای‌شان دم‌و دستگاهی تشکیل داده تا گندم‌های وقفی گوشه‌ای انبار شوند و کبوترهای بیمار هم جایی برای خوابیدن داشته‌باشند

عکس: مهدی قربانی



زیر رواق یار ^
این دو تا کبوتر، لوستر یکی از رواق‌های حرم را برای چرت زدن انتخاب کرده‌اند. اینجا برای این کبوترها همیشه دانه گندم مهیاست و آنها اصلا نیازی ندارند که در طول روز دنبال غذا باشند
عکس: سعید محمودی ازناوه

خواب کودکانه >
هیچ‌چیز مثل پریدن این جانوران، کودکان را شاد نمی‌کند. این کودک خردسال با اینکه نمی‌تواند راه برود، اما چنان توجهش به سمت کبوترها رفته که می‌خواهد سینه‌خیز هم که شده خودش را به آنها برساند؛ گویی این تصویر، تعبیر یکی از خواب‌های کودکانه اوست
عکس: مهدی قربانی

عادتی خرق عادت >>
کبوترها جزو جدایی‌ناپذیر حرم حضرت هستند؛ مثل نقش‌ونگارها، ایوان‌ها و مناره‌ها. زائران به دیدن آنها عادت کرده‌اند و برایشان احترام زیادی قائل‌اند
عکس: محسن بخشنده

با وجود ازدحام زیاد کبوتر در این صحن، اینجا جایگاه کبوترهای حرم نیست. خادمی به سمت خروجی صحن هدایت اشاره می کند و آدرس می‌دهد: «بست طوسی، کنار باغ رضوان».

خانه‌ای برای ضعفا

اینجا حصاری اطراف کبوترها کشیده شده و کمتر دیده می‌شود که کبوتری پرواز کند. پسربچه شیطانی وارد جایگاه می‌شود و همه‌شان به سمت کناره جایگاه پرپر می‌زنند ولی پرواز نمی کنند. پسر موفق می‌شود یکی‌شان را کنار توری گیر بیندازد و با یک حرکت اسیرش کند اما هنوز از روی میله‌های جایگاه بیرون نپریده که خادمی از راه می‌رسد و کبوتر سفید را از دست پسر گرفته و دوباره داخل جایگاه می‌پراند.

از او که به گفته خودش سه سالی می‌شود خادم اینجاست می‌پرسم پس چرا کبوتر پرواز نکرد و دوباره به جایگاه برگشت، که می گوید: «اینها اکثرا کبوترهای پیر یا ناتوان و بیمارند. کبوتر سالم در جایگاه کبوترها نمی‌نشیند و از اینکه دورش محصور باشد، احساس خطر می کند». وقتی بالای سرم را نگاه می کنم، بیشتر مطمئن می‌شوم که خادم جوان بیراه نمی گوید. یک دسته کبوتر روی نورافکن‌های همان‌جا نشسته‌اند و دسته‌ای در هوا مشغول پروازند؛ درست برخلاف کبوترهای داخل جایگاه که مرتب در حال چرت زدن و خوردن هستند. خادم جوان می گوید: «اینها را شب‌ها نمی‌توان همین‌جا ول کرد. هوا که تاریک بشود، مسؤول کبوترها با قفسش می‌آید جمعشان می کند و می‌برد تا خوراک گربه‌ها نشوند. صبح هم دوباره برمی گرداندشان همین‌جا». اتاق شب کبوترها کمی آن‌طرف‌تر، داخل یکی از ستون‌ها ساخته شده که دری فلزی دارد و چفت و قفلی هم روی آن است.

روبه‌روی این اتاق بالای پنجره‌ای نوشته‌اند: «برای نذورات قبض تهیه کنید». اینجا دفتر خرید گندم برای کبوترهاست و مسؤول فروش نذورات گندم پشت میزش نشسته؛ «۲۰۰ تومانی، ۵۰۰ تومانی، ۱۰۰۰ تومانی؛ سه نوع قبض داریم. مردم به اندازه اینها می‌توانند برای کبوترها گندم بخرند».

اینها را می گوید و به دورتادور خودش اشاره می کند که پر از کیسه‌های گندم است. به گفته خودش انبار هم لب تا لب پر از کیسه گندم است؛ «این گندم‌ها را آنهایی که نذر دارند می‌آورند و وقف اینجا می کنند. الان دیگر اصلا جا نداریم و همیشه انبار پر است».

اما برای این مشکل هم راهی وجود دارد. احمد محمدیان، مسؤول بست طبرسی که ۲۰ سالی می‌شود خادم رسمی حرم امام رضا(ع) است می گوید: «الان فصل برداشت گندم است؛ برای همین انبارها این‌قدر پرند. وقتی زمستان شود، دیگر کسی گندم ندارد که وقف آقا کند. گندم‌ها را نگه می‌داریم تا در سرمای زمستان هم برای کبوترها غذا داشته باشیم».

روزگاری پرنده‌ها

دور جایگاه کبوترها شلوغ‌تر شده. مادری گندم‌ها را از کیسه‌ای بیرون می‌آورد و دست پسر کوچکش می‌دهد تا برای کبوترها بریزد. با اینکه مردم درون جایگاه کوهی از گندم ریخته‌اند اما فقط چند پرنده مشغول خوردن هستند. هاشمی –پرنده‌شناس – می گوید: «قبل‌ترها در حرم آن‌قدر کبوتر بود که کل محوطه یکی از صحن‌ها را جایگاه کبوترها کرده بودند. همیشه دو تا وانت پر از گندم آنجا بود و با بیل برای کبوترها دانه می‌ریختند. پیش از این روی گنبد هم پر از کبوتر بود؛ طوری که وقتی دسته‌ای پرواز می کردند آسمان سیاه می‌شد اما حالا تعداد کبوترها کمتر شده است».

هاشمی می گوید: « فضولات کبوترها اسیدی است و باعث تخریب بناهای تاریخی می‌شود.» این موضوع نشان می‌دهد با اینکه این پرنده‌های زیبا همیشه مورد احترامند اما معضل هم به حساب می‌آیند؛ معضلی که فقط مختص بارگاه امام رضا(ع) نیست و در تمام دنیا وجود دارد. هاشمی در ادامه می گوید: «در بسیاری از کشورهای اروپایی هم مجبورند به‌صورت هفتگی کبوترها را جمع‌آوری کنند تا فضولاتشان باعث تخریب بنا نشود». به همین دلیل مسوولان آستان تصمیم بر محدود کردن تعداد و محل پرواز کبوتران گرفته‌اند.

یکی از مسوولان می گوید: در فصل برداشت گندم انبارهای آستان پر از گندم‌های وقفی می‌شود. ما هم آنها را انبار می‌کنیم تا در زمستان به پرنده‌ها بدهیم

اما با وجود همه این تدابیر برای جلوگیری از ازدیاد بیش از حد کبوترها، هنوز هم در نقطه‌ای از حرم می‌توان آنها را دید. حرم را که ترک می کنیم، نزدیک غروب است و چراغ‌های حرم را روشن کرده‌اند. از همین‌جا هم می‌شود کبوترها را دید که بر فراز حرم پرواز می کنند؛ جانوران زیبایی که همیشه برای ایرانیان مورداحترام بوده‌اند. از راننده تاکسی‌ای که ما را به هتل می‌برد، درباره پرنده‌ها می‌پرسم. می گوید عاشق کبوترهاست؛ «دو تا کفتر پاپری دارم که آنها را خیلی گران خریده‌ام. از وقتی هم به خانه آوردمشان، باعث خیر و برکت شده‌اند. اما نذری دارم که اگر آقا صلاح دید و برآورده کرد، هر دوتایشان را در حرم رها می کنم». ■

[رسم کهن]

دمیدن برای آفتاب

گزارش اختصاصی از نقاره‌زنی در بارگاه حضرت رضا(ع)؛ سنتی که ۴۰۰ سال قدمت دارد

محسن طهوری

فرش‌ها تازه در کف صحن پهن شده و نمازگزاران منتظر اعلام اذان مغربند. نور خورشید مدتی است که صحن را ترک کرده اما برقش هنوز روی گنبد طلا مانده. کبوترها روی گنبد کوچک سقاخانه آرام گرفته‌اند که ناگهان صدا در تمام حرم می‌پیچد. همه لحظه‌ای مکث می‌کنند؛ صدای مداوم کرنا و طبل است و شروع نوبت‌نوازی؛ که امروزه به‌خاطر شهرت نقاره که به مجموع طبل‌های این مراسم می‌گویند، به نام نقاره‌زنی شهرت یافته است. نقاره‌چی‌ها چون همیشه، سازشان را به صدا در آورده‌اند تا شکوه بارگاه حضرت رضا(ع) را یادآوری کنند؛ هنری که پیشینه حضورش در این بارگاه به چهارصد سال می‌رسد. نقاره‌چی‌ها دو نوبت در روز -قبل از طلوع و غروب خورشید- از پله‌های ایوان نقاره‌خانه حرم بالا می‌روند تا درود یا بدرودی نصیب آفتاب کنند. برای دیدار با برگزارکنندگان این مراسم منحصربه‌فرد، ما هم ۱۰۶ پله این ایوان بلند را بالا می‌رویم.

عکس: کورش جوان



برج کوچک ایوان بزرگ ^

«اینجا چوبی بود؛ اصلا این برج نبود آن‌وقت‌ها»؛ این را اقوام شکوهی می‌گوید که پیشکسوت نقاره‌زنی است. به گفته او پیش‌ترها روی ایوان، محلی چوبی وجود داشت که بعدها آن‌را خراب کردند و جایش این برج زیبا را ساختند؛ برجی با ۱۸ستون کوچک دورتادورش که طاقی‌های مابین‌اش آن را به بلندگوی بزرگی شبیه کرده است

عکس:محسن‌بخشنده

سازی برای ذکر >

کرنانوازان در کرنا نمی‌دمند تا فقط صدا تولید شود؛ آنها با این ساز ذکر می‌گویند و جمله‌ای را ادا می‌کنند. البته این ساز قدرت نوازندگی زیادی هم ندارد، چرا که مثل نی یا سرنا، سوراخی برای تغییر نت ندارد. کرنانواز آن را گوشه دهانش می‌گذارد و در آن می‌دمد و تنها با تغییر نفس می‌تواند در صدا تغییر ایجاد کند

عکس: مهدی قربانی

نوبت‌نوازان، آماده اجرای مراسم هستند؛ کرنانوازان به ردیف ایستاده‌اند و پیش‌رویشان طبال‌ها نشسته و ترکه به دست، به برج ساعت که درست روبه‌رویشان قرار دارد نگاه می‌کنند. آسمان هنوز روشن است و چیزی به قضای نماز ظهر و عصر نمانده. وقت آن‌است که مثل هر روز بر طبل‌ها بکوبند و در کرناها بدمند.

اما امروز فضای حرم با روزهای گذشته متفاوت است؛ سرتاسر همه برج‌ها، ایوان‌ها، گنبدها، رواق‌ها، صحن‌ها و بست‌ها چراغانی شده و جمعیت آن‌قدر زیاد است که به‌ندرت جایی برای زائری تازه‌وارد پیدا می‌شود. امروز، شب تولد خواهر امام رضا(ع)، حضرت معصومه(س) است و این موضوع در کار نوازندگان هم تاثیر دارد. نقاره‌چی‌ها در شب‌های تولد و عید، جدای از دو نوبت اجرای همیشگی‌شان در طول روز، دو نوبت دیگر هم- یک‌ساعت پس از نماز صبح و عصر- این مراسم را اجرا می‌کنند. یکی از برگزارکنندگان این مراسم با زدن کلیدی، چراغ سبز کوچکی را در برج کوچک ایوان نقاره‌خانه روشن می‌کند و این یعنی وقت نوازندگی است. ترکه‌ها بر طبل‌ها فرود می‌آیند و کرنانوازن یکنواخت در کرنا می‌دمند. ۲۰دقیقه دیگر خورشید کاملا غروب می‌کند و این نوای کهن چون همیشه به بدرقه‌اش آمده است.

ذکر کرنازن

پیرمرد کارش را خوب بلد است. دستانش به شدت می‌لرزد اما ترکه را محکم و باصلابت می‌زند. به قول خودش عمری را پای این کار گذاشته؛ «۶۴سال شده که نقاره می‌زنم. اصلا نه غیبت دارم نه تا حالا گواهی دکتر آورده‌ام. هر روز دو نوبت صبح و عصر این بالا هستم. دفتر حضور و غیاب حرم هست، می‌توانید ببینید». احمد اقوام شکوهی- پیشکسوت‌ترین نقاره‌چی ایران- سرپرستی این گروه نوازنده را برعهده دارد؛ نوازندگانی که ادامه‌دهنده راه آبا و اجداد خود هستند. طبق قدیمی‌ترین سند موجود با نام «مهمان‌نامه بخارا» به تالیف فضل‌الله خنجی، اجرای این مراسم در مشهد قدمتی چهارصدساله دارد. البته این سند تنها شامل تاریخ نوبت‌نوازی یا نقاره‌کوبی در بارگاه حضرت رضا(ع) است چراکه از کرنای یافت شده در تخت‌جمشید، به خوبی می‌توان فهمید که کرنانوازی و نقاره‌کوبی پیش از طلوع و غروب خورشید، قدمتی بسیار بیشتر از اینها دارد. این موضوع در نوشته‌های هرودوت - مورخ یونانی - هم موجود است؛ «ایرانیان برآمدن و فرو رفتن خورشید را با نواختن افزارهای موسیقی آگاهی می‌دادند».

اقوام شکوهی ۸۳ساله، نوازنده طبل اصلی این ارکستر یعنی طبل «سرچاشنی» است؛ طبلی که تغییر ریتم را مدیریت می‌کند و مهم‌ترین ساز این مراسم کهن است.

وقتی نوای یکنواخت کرناها و طبل‌ها که اعلام آغاز برنامه است تمام می‌شود، کرنانوازان ساز را از دهانه گشاد روی کف می‌نشانند و خود به ستون‌های برج ایوان تکیه می‌دهند؛ چراکه می‌دانند حداقل تا حدود پنج دقیقه دیگر، نوبت به دمیدن آنها در ساز نمی‌رسد. طبل‌ها تابع ریتم طبل سرچاشنی می‌کوبند و می‌کوبند. سرچاشنی حتی لحظه‌ای از صدا نمی‌افتد اما برای دیگر طبل‌ها که به آن‌ها گورگه می‌گویند بین دو ریتم، وقت سکوت است. اقوام شکوهی ریتم مشخصی را بارها می‌کوبد و طبال‌ها هم یکی در میان همان را می‌کوبند. البته وقت‌هایی هم هست که دستش قوت نکند تا یکی از ترکه‌ها محکم به پوست طبل نخورد و ریتم به‌هم بریزد اما تجربه سال‌ها نوازندگی به او آموخته که از تکرار اشتباه، ریتم جدیدی خلق کند تا خطا دیده نشود؛ برای همین است که این‌جور مواقع، در تکرار بعدی ریتم هم، دوباره در همان لحظه ترکه را بر طبل نمی‌کوبد تا کلیت موسیقی دچار نقص نشود.

چند دقیقه‌ای که می‌گذرد، سردسته کرنانوازان که به آن «سرنواز» می‌گویند، کرنا را به طرف گنبد طلای حضرت می‌گیرد و آغاز می‌کند؛ صوت کرنای او شبیه صحبت کردن است؛ گویا ذکر می‌گوید و هر کس می‌تواند برای خودش تعبیری از این ذکر داشته باشد اما آنچه امروزه از آن تعبیر می‌شود و کرنانوازان هم سعی بر اجرای آن می‌کنند این است؛ سرنواز اولین جمله را این گونه می‌دمد: «سلطان دنیا و عقبی / علی بن موسی‌الرضا». اینجاست که دیگر کرنانوازان که به آنها پس‌نواز می‌گویند، دوبار و پشت سرهم تکرار می‌کنند: «امام رضا». سرنواز ذکر «امام رضا» را سه بار از کرنایش به سمت گنبد می‌دمد و پس‌نوازان هم دو بار «غریب رضا» می‌نوازند. نوای این ذکر، پایان دست اول موسیقی است و شروع نواختن ریتم جدید توسط طبال‌ها. دست دوم با ذکر «مولی، مولی، مولی / علی بن موسی الرضا» توسط سرنواز شروع می‌شود و با سه مرتبه پاسخ «رضاجان» پس‌نوازان ادامه پیدا می‌کند. کرنای سرنواز به سمت گنبد مطلا ذکر «یا امام غریب یا امام رضا» را می‌دمد تا دوباره پس‌نوازان، سه بار «رضا جان» بدمند. کرناها باز سکوت می‌کنند تا طبال‌ها ریتم

آهنگ کرنا مانند ذکر است و هر کس می‌تواند برای خودش تعبیری از آن داشته باشد می‌گویند سرنواز اولین جمله را این گونه می‌دمد: «سلطان دنیا و عقبی /علی بن موسی الرضا»



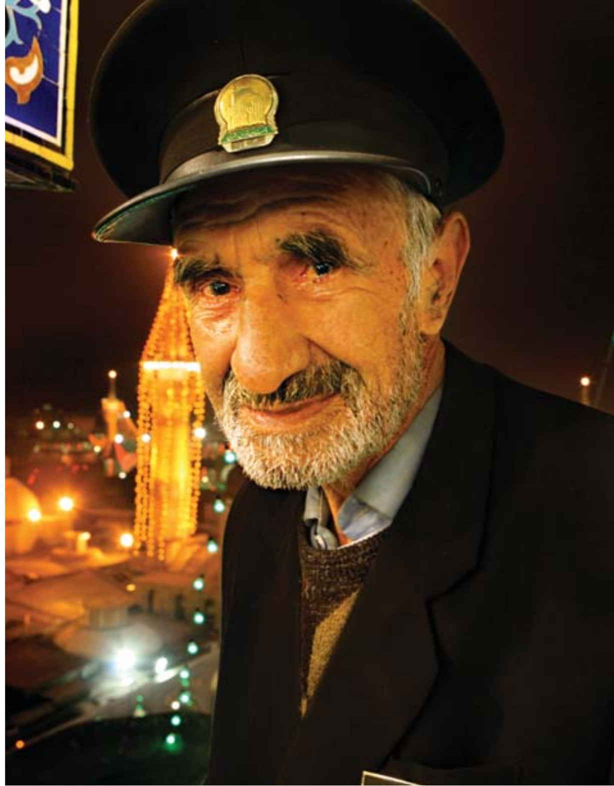
نوازندگان خانوادگی

نام اصلی این مراسم نوبت‌نوازی است که به خاطر محبوبیت زیاد طبل‌هایش که به مجموع آنها نقاره می‌گویند، به نقاره‌زنی شهرت یافته. برگزارکنندگان این مراسم دوره خاصی ندیده‌اند و قرن‌هاست که از پدرها و پدربزرگ‌های خود به‌صورت گوشی نوبت‌نوازی را آموخته‌اند. محمدرضا هم که در این تصویر چشم به گنبد مطلا دوخته، پسر اقوام شکوهی بزرگ است و نقاره‌زنی را از او به ارث برده

عکس: محسن بخشنده







شکوه نقاره‌زنی
احمد اقوام شکوهی، بیش از سه‌چهارم عمر ۸۳ ساله‌اش را در این بارگاه نوبت‌نوازی کرده. خودش می‌گوید روزگاری کنار پدر و پدربزرگ و عموهایش می‌نشسته و نقاره‌زنی را از آنها آموخته. حالا که دیگر سال‌ها از آن‌روزها می‌گذرد و او بزرگ خاندان شکوهی‌هاست، پسرها و برادرزاده‌هایش هم به همین‌کار مشغول‌اند/ عکس: کورش جوان

استراحت کرنازنان
مجموع این طبل‌ها را نقاره می‌گویند؛ چهار طبل بزرگ به نام گورگه و یک طبل کوچک که به آن سرچاشنی می‌گویند و ریتم تمام این مراسم برعهده اوست؛ هرچه که نوازنده این طبل بکوبد، باقی هم همان را یکی در میان تکرار می‌کنند. از آنجا که کرنانوازان فقط در سه مرحله آن‌هم در زمان کمی در کرنا می‌دمند، وقت زیادی برای استراحت دارند، برای همین هم معمولا کرنا را از سر گشادش روی زمین می‌گذارند و منتظر می‌شوند تا نوبت‌شان شود/ عکس‌ها: محسن بخشنده

بعدی‌شان را بکوبند. پس از چند دقیقه، سرنواز کرنا را به سمت گنبد حضرت می‌گیرد و این یعنی شروع دست سوم و می‌دمد؛ «دوره دوران امام رضاست». اینجاست که طبال‌ها شادمانه می‌کوبند و به قول خودشان کوس شادیانه می‌زنند. سرنواز رو به گنبد ذکر می‌گوید؛ «دوره دوران امام رضاست /ای دادرس بیچارگان» و پس‌نوازان پاسخ می‌دهند؛ «ای دادرس درماندگان». سرنواز ذکر آخر را «فریادرس» می‌دمد و کار را به طبال‌ها وامی گذارد تا با شدت بر طبل‌ها بکوبند. یکی‌شان چراغ سبز برج ایوان را خاموش می‌کند و همه با هم بر محمد(ص) و آل او صلوات می‌فرستند.

شکوه شکوهی‌ها

آفتاب دیگر غروب کرده اســت. پایان کار نقاره کوبی، پایان وقت نماز ظهر و عصر است. صدای تلاوت قرآن از گلدسته‌های حرم پخش می‌شود و نوید خوانده شدن اذان مغرب را به زائران می‌دهد. احمد اقوام شکوهی آرام از جایش بلند می‌شود و طبل سرچاشنی‌اش را که کوچک‌تر از بقیه طبل‌هاست به دست‌می گیرد تا از پله‌های برج کوچک این ایوان بلند آهسته پایین برود. او حالا دیگر بزرگ خاندان شکوهی‌هاست. از زمانی که جوان ۱۹ ساله‌ای بود و در کنار پدربزرگ و پدر و عموهایش، مشغول به این کار شد، سال‌ها می‌گذرد. حالا دو پسر و برادرزاده‌هایش هم در کنارش هستند تا ادامه‌دهنده این راه باشند.

شکوهی‌ها قرن‌هاست نوبت‌نواز یا همان نقاره کوب حرم امام رضا(ع) هستند و این سمت را از پدر به پسر به ارث می گذارند. اقوام شکوهی می گوید پدربزرگش هم از پدر و پدربزرگ خودش نقاره کوبی را یادگرفته و همه هم با تجربه و تکرار و در وقت نوبت‌نوازی این کار را آموخته‌اند. قدمت نقاره کوبی خاندان شــکوهی با رجوع به اسناد دوران قاجار تا حدودی روشن‌تر می‌شود؛ در آن زمان به نوبت‌نوازان یا همان نقاره‌چی‌ها «عملجات شکوه» می گفتند چراکه نقاره‌نوازی را نشانه عظمت و شکوه آستان حضرت می‌دانستند. نام فامیل شــکوهی، در اصل برگرفته از همین صفت است که با پیشوندهایی چون باشی، اجزاء و اقوام، نسل در نسل در این خاندان مانده است؛ خاندانی که بازمانده نوبت‌نوازی یا همان نقاره کوبی در ایران هستند؛ بازمانده هنری که روزگاری در سراســر ایران و در تمام دوران‌ها وجود داشت. هر پادشاه و هر سلسله و هر دورانی، در پایتخت خود ایوان یا مناره‌ای برای این کار می‌ساخت و نوازندگانی برای نوبت‌نوازی استخدام می کرد چراکه نقاره کوبی را نشانه عظمت دربار می‌دانستند. نقاره‌خانه اهمیت سیاسی خاصی برای هر حکومتی داشت؛ برای همین هم وقتی رضاخان بنیاد قاجاریه را از میان برداشــت، نقاره‌خانه سر در ارگ تهران را تصرف کرد و نقاره‌خانه جدید تهران را در سر در باغ ملی (میدان مشق) بنا کرد تا اقتدار دوره جدید خود را به رخ بکشد. اما به مرور و با ورود سازهای جدید، آیین نقاره‌نوازی به فراموشی سپرده شد تا تنها در مشهد و در نقارخانه حرم امام رضا(ع)، این رسم قدیمی با همان ابزار و شیوه همچنان اجرا شود.

نوازندگان ارکســتر، کرناها و طبل‌ها را در گوشــه اتاقک کوچکی که برایشان زیر جایگاه نقاره‌نوازی ساخته شده، می‌چینند. روی طبل‌ها پوست سفتی کشیده شده که یک تلنگر کوچک به آنها صدای بلندی تولید می کند. اقوام شکوهی می گوید: «اینها پوست گاو است؛ آستان قدس می‌خرد و خودم در خانه تسمه‌اش می کنم روی طبل‌ها». به گفته او کاسه طبل سرچاشنی که دهانه گشادتری نسبت به طبل‌های بزرگ دارد، از چدن اســت و باقی طبل‌ها مســی‌اند؛ «پدربزرگ من هم با همین، سرچاشنی می‌زد. کاسه‌اش خیلی قدیمی است اما مسی‌ها را می‌دهیم مسگرهای مشهد بسازند». کرناها هم آن‌طرف‌تر چیده شده‌اند؛ سازهایی بادی به طول تقریبا یک متر و نیم که تنها دو سوراخ دارند؛ جایی که از آن می‌دمند و جایی که صدا از آن خارج می‌شود. این سازها را که به گفته اقوام شکوهی کار مشهد است، از مس یا برنج ساخته‌اند و پس از آن آب کُرم داده‌اند.

دوباره نقاره‌زن‌ها به سمت جایگاه می‌روند تا برای تولد خواهر حضرت، نوبت بعدی را اجرا کنند. آنها دوبــاره می کوبند و می‌دمند اما این‌بار همــان نوای ۲۰دقیقه‌ای همیشگی را ده‌دقیقه‌ای تمام می کنند. چراغ سبز را خاموش و دوباره روشن می کنند و ده دقیقه بعدی آغاز می‌شــود؛ ریتمی متفاوت و شاد که به نقاره سلطانی معروف است و مخصوص روزهای جشن است. ریتم طبل‌ها از همان ریتم همیشگی شروع می‌شود و کم کم تندتر و شادتر می‌شود. کرنانوازان در سه دست، مابین ریتم طبال‌ها در کرناها می‌دمند اما این‌بار، سرنواز تنها سر کرنا را به سمت گنبد مطلا نمی گیرد بلکه اشــاره‌ای هم به قم و مقبره خواهر حضرت می کند. دست پایانی، مراسم به جشنی تام و تمام تبدیل می‌شــود و همه باهم طبل‌ها و کرنا را می‌نوازند و دوباره یکی‌شان چراغ سبز کوچک را خاموش می کند. ■

روزگاری هر سلسله‌ای، در پایتخت خود مکانی برای نوبت نوازی می‌ساخت و نوازندگانی استخدام می کرد چراکه نقاره کوبی را نشانه عظمت دربار می‌دانستند

دست‌ها و قلم‌ها

از سال ۱۳۷۹ به بعد زائران حرم رضوی دستشان را بر گوی و ماسوره‌های ضریحی گره‌زده‌اند که توسط استاد فرشچیان طراحی و زیر نظر استاد خدادادزاده اجرا شده. قلمزنان اصفهانی به پیروی از طرح استاد، قلم را رقصانده‌اند تا تک تک گل‌ها، برگ‌ها و نقش و نگارها را بر تن فلز حک کنند و از سیم و زر ضریحی مهیا کنند که احتمالا ۴۰۰ سالی عاشقان امام بر گردش خواهند چرخید. سابقه نصب ضریح در مرقد مطهر به عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی و سال ۹۵۷ قمری برمی گردد. در این سال مرقد مطهر برای اولین بار ضریحی چوبی با روکشی از طلا و نقره را تجربه کرد. ضریح دوم، سوم، چهارم و بانیان بعدی یکی پس از دیگری آمدند تا نوبت به پنجمین و آخرین ضریح رسید

[نگارخانه]

حرم هنر

در جای‌جای آستان قدس می‌توان رد دستان هنرمندان ایرانی را گرفت

محمدمهدی بهمنی / عکس: سعید محمودی ازناوه

از بین تمام مجموعه مفصل و افتخار آمیز هنر ایرانی فقط مجموعه شوکت‌مند آستان مقدس رضوی است که با اقبال ۱۷ میلیون نفر بازدیدکننده در سال روبه‌روست. اگرچه چنین اقبال وسوسه‌انگیزی می‌تواند خواب و خیال هر هنرمندی باشد اما به نظر می‌رسد آفرینندگان آثار این مجموعه، هنرشان را وسیله‌ای برای عرض ارادت و سرسپردگی به هشتمین امام شیعیان دانسته‌اند؛ پس تمام سعی خود را کرده‌اند تا آنچه به پیشکش آورده‌اند عالی‌ترین و خیره کننده‌ترین نمونه هنرشان باشد. مجموعه‌ای که امروز جلوی چشم زائران علی بن موسی الرضا(ع) گسترده شده، حاصل سعی و سلیقه ۱۲۰۰ ساله هنرمندان گمنام یا نامی این سرزمین است که از همان سال ۲۰۳ هجری قمری که پیکر پاک امام شیعیان به خاک قریه کوچک سناباد سپرده شد، تا امروز استمرار داشته است. اولین مجموعه قابل ذکر را سامانیان گرداگرد مرقد مطهر برپا کردند. در عهد حکومت سلطان محمد خوارزمشاه کاشی‌های زرین‌فام سنجری در ازاره مقبره کار گذاشته شدند. شاهرخ‌میرزا و همسرش، گوهرشادبانو، بانی ساخت مسجد معظم گوهرشاد و رواق‌های دارالحفاظ و دارالسیاده شدند. ایوان امیرعلیشیر و گنبد و گلدسته‌های حرم از عهد شاه طهماسب به بعد طلایی رنگ شدند. مهم‌ترین تغییرات تاریخی حرم هم به سفارش شاه عباس و به تدبیر شیخ بهایی بنا شده است. نادرشاه افشار و تک و توک شاهان قجر هم باعث و بانی تغییرات ریز و درشت بعدی بودند. این سعی مداوم که با یک چهاردیواری کوتاه‌قد و گنبدی کم‌شیب بر فرازش آغاز شد، پس از کم و زیادهای بسیار حالا تبدیل شده به نمونه‌ای پر و پیمان از مصادیق متنوع و پرشمار هنر این دیار.



آستانه طلایی

بیش از ۲۵۰۰ سال است که قلمزنان با قلم و چکش‌هایشان به جان فلزات سرسخت، خوشرنگ و اغواگر افتاده‌اند و هر نقشی را که اراده کرده‌اند، بر آن حک کرده‌اند. طلا، نقره، مس، برنز و برنج جان سخت در این سالیان در دست طلاکاران و قلمزنان شکل گرفته‌اند تا آثاری بدیع آفریده شود و در این‌جا، درگاه حرم سرور این دیار را مزین سازند.
تصویر، در جنوبی رواق دارالسیاده را نشان می‌دهد و با آنکه طلا در دستان هنرمند طلاکار چون موم بوده، بسیاری از زائران به شوق زیارت دوست از تماشای آن می‌مانند



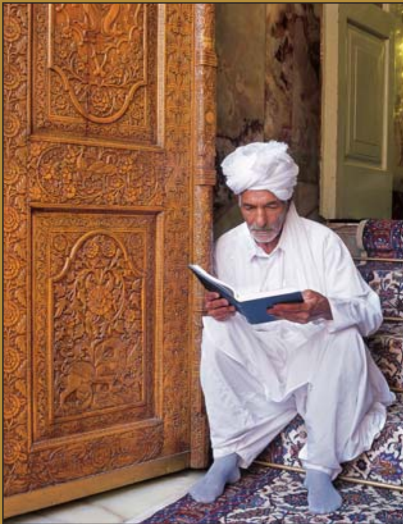
آب و آینه

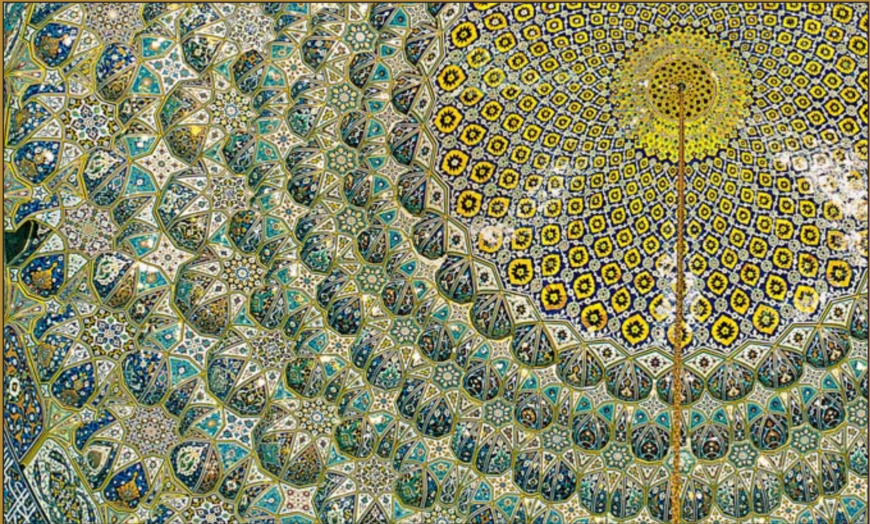
هنرمندان صفوی باخرده آینه‌های دورریختنی که حاصل سفر آینه‌های فرنگی به‌ایران بود، هنری جدید خلق کردند. خرده آینه‌های رواق دارالسیاده، هر زائر مشتاق را به هزار زائر مشتاق تبدیل کرده‌اند تا مقدار و اندازه‌اش را در قیاس با خالق هستی به یادش بیاورند. آینه در فرهنگ ما ایرانیان مثل آب، نشان روشنایی، پاکی و صفای دل است و در اینجا تکثیر کننده نور و روشنایی. آینه‌کاری حرم امام رضا(ع) تقریبا همزمان با آینه‌کاری ایوان آینه حرم خواهرشان در ابتدای سده چهاردهم انجام گرفت



نقشی بر چوب

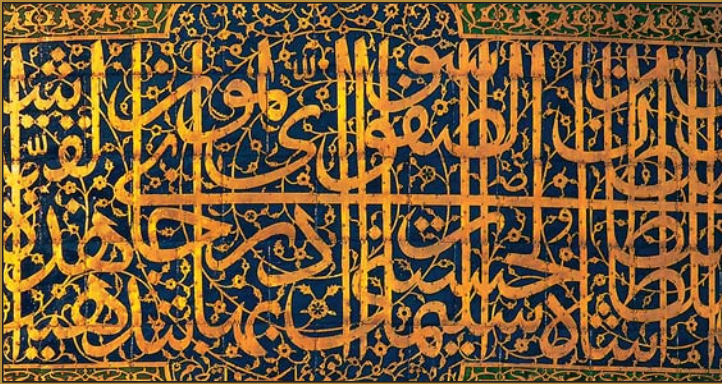
منبت‌کاران باذوق و سلیقه سرشار و ابزار وادوات نوک تیزشان توی حرم رضوی گشته‌اند و هر شیء چوبی -از رحل و منبر گرفته تا همین در چوبی -را پر از نقش و نگار کرده‌اند. چوب نرم و در عین حال محکم، کم‌گره و خوش خط و خال، باب دندان منبت‌کاران است. با این حساب بیشترین ماده مصرفی آنان چوب درختان گیلاس، گردو و اقاقیاست. هنرمندان این رشته معتقدند هرچه زمینه کار عقب‌تر برود و طرح عمیق‌تر شود، کار زیباتر می‌شود. منبت‌کاران پس از اتمام کار، حاصل هنر و حوصله بسیارشان را با روغن زیتون یا گردو جلا می‌دهند تا این چنین چشم‌نوازی کند. اینجا یکی از درهای ورودی صحن جمهوری اسلامی است





خوشنویسی برطلا

معمولا مسافران مشهدالرضا(ع) هرجای شهر که باشند، چشمشان به دنبال رنگ طلایی گنبد امام هشتم می‌گردد. چشمگیرترین عضو معماری حرم، محل نمایش کلام الله و اسما حسنی است. کتیبه‌های آن هم سهم مقدس‌ترین هنر مومنان، خوشنویسی است. قد بلند خط ثلث سال‌هاست کتیبه مساجد و مرقد مطهر امامان و امامزادگان را این‌چنین پر کرده است. گنبد و ساقه رعنای مرقد امام رضا(ع) تا قبل از عهد ترکان صفوی با کاشی پوشیده شده بود. در واقع این شاه طهماسب صفوی بود که برای پوشاندن گنبد مرقد امام به هنرمندان دستور تهیه خشت‌های طلایی رنگ را داد. بعدها رنگ طلایی همین خشت‌ها در ضلع جنوبی ساقه گنبد، زمینه‌ای شد برای خط خوش خوشنویسان نامی عهد صفوی



گل سرسبد کاشی‌ها

بین کاشی‌های حرم که چشم بدوانی، بیشتر از همه اسم علی و جواد را خواهید دید. درست مثل همین اثر در ایوان شمالی صحن عتیق که گل و بته‌های معرق نام علی‌ابن موسی‌الرضا(ع) را در بر گرفته‌اند. کاشیکاران مسلمان لعاب معجزه آسایی را که فرمولش را سینه به سینه حفظ کرده بودند، روی کاشی می کشیدند و به گرمای کوره می‌سپردند. کوره هم پس از ساعت‌ها، قطعه سفالین براقی را تحویلشان می‌داد خرده کاشی‌های رنگی تک تک تراشیده می‌شدند و در دل هم جا می‌گرفتند تا مساحت دیوارها را پر کنند از گل و بته‌های لعابی رنگین



آسمانی زیر گنبد

تکه‌کاشی‌هایی که‌از سقف رواق گنبد الله‌وردی‌خان آویزانند در واقع تدبیر معماران ایرانی‌اند برای پوشاندن فاصله دیوار و طاق بالای سرشان. مقرنس کم کم چنان مورد توجه کاشیکاران و آینه‌کاران مسلمان قرار گرفت که تبدیل به عنصری کاملا تزئینی و مقرنس‌سازی، تخصصی مستقل در معماری شد. چنین فضای ظریفی را کاشیکاران فقط با خرده کاشی‌های معرق می‌پوشانند و آینه‌کاران با خرده آینه‌هایشان. این رواق در شمال‌شرقی حرم مطهر واقع شده است

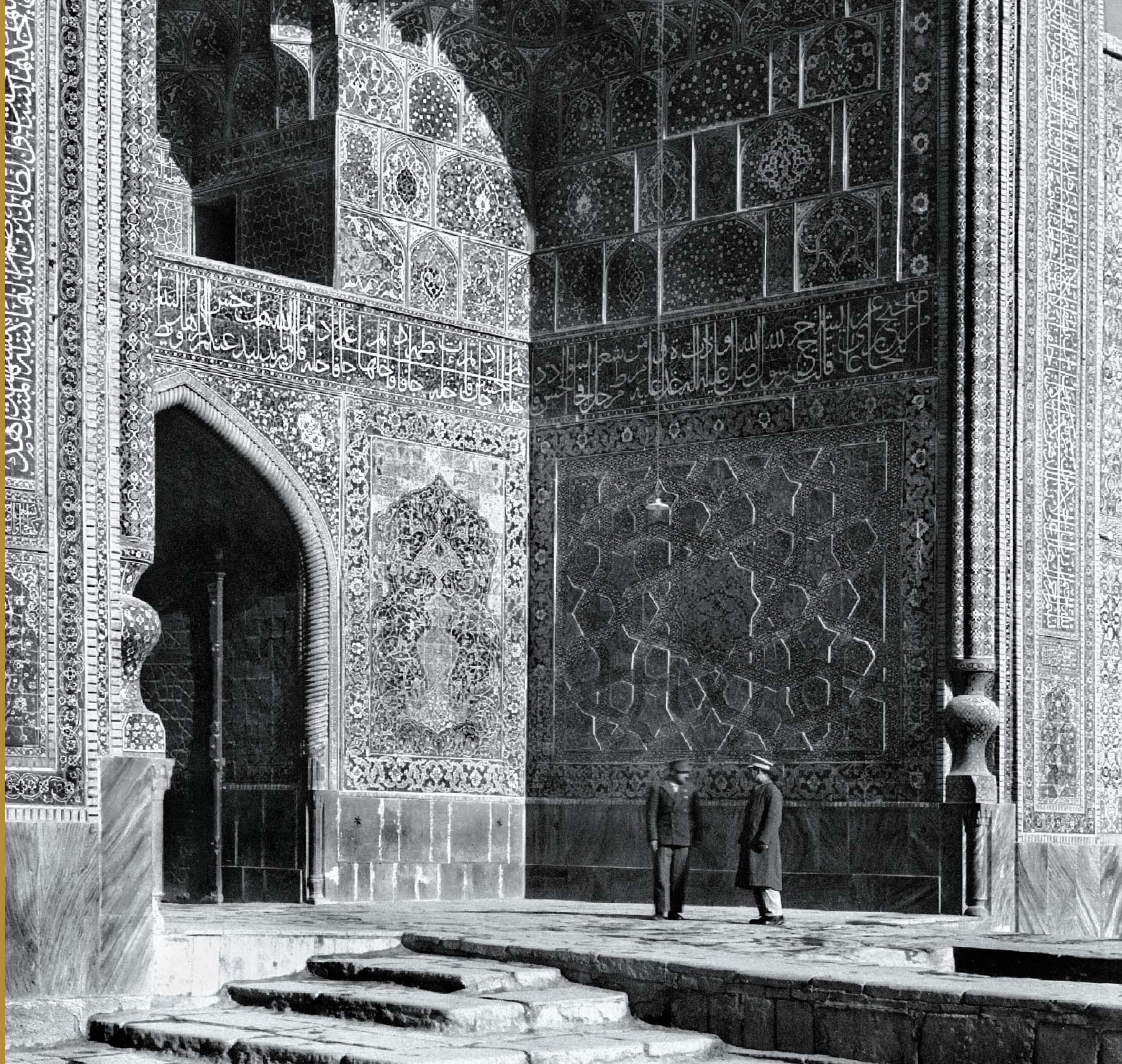
مینا و طلا

قاب‌های رنگی میناکاری آن‌چنان با زمینه فلزی‌شان غریبه نیستند. در واقع رنگ‌های مینایی، حاصل ترکیبات اکسیدفلزی با نمک هستند. قرمز، سبز و زرد مینایی از طلا، مس و گل ماشی به عاریت گرفته شده‌اند تا بر در ورودی دارالسیاده بنشینند



رخت خدمت
خادمان آستان در سال‌های دور اوایل دوره پهلوی اول تازه لباس قجری را کنار نهاده بودند و به یونیفرم و کلاه افسری ملبس شده بودند، اما این اولین و آخرین لباس متحدالشکل آنها در طول تاریخ دوازده‌قرنی این آستانه نیست

عکس: آرشیو روابط عمومی آستان قدس رضوی



[تاریخ]

وزارت رضوی

تشکیلات اداری آستان قدس رضوی نهادی با بیش از ۴۰۰ سال سابقه

علی شهیدی

هنوز بسیاری از کشورهای امروز جهان به وجود نیامده بودند و آن کشورهایی هم که بودند، جز چند سرزمین باستانی در شرق و غرب، نظام و سازمان درستی نداشتند که ساختار اداری آستان قدس با خدم و حشم و شکوه و تشریفات بسیار برقرار بود. شاید همه کسانی که به زیارت آستان قدس رضوی می‌روند، ندانند که این مجموعه، تنها یک آرامگاه نیست و در کنار حرم، گنبد، گلدسته و ایوان طلا و صحن‌ها، هزاران آرامگاه و مقبره مشاهیر و بزرگان، ۲۷ رواق تو در تو و شبستان، پنج مسجد، چهار بست، پنج مدرسه، دو دانشگاه، یک مرکز بزرگ مطالعات اسلامی، صد موسسه و شرکت فرهنگی و اقتصادی، دهها موزه و گنجینه پیدا و پنهان، چندین کتابخانه، آشپزخانه، بیمارستان، مهمانسرا و املاک و مستغلات و موقوفات بسیار در سراسر ایران امروز و هم در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، با هزاران خادم و مستخدم که شبانه‌روز مشغولند، سازمانی بزرگ را پدید آورده که یکی از قدیمی ترین ساختارهای دیوانی و سازمان‌های اداری ایران و جهان است و قدمت ۱۲قرنی دارد و بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های امروزی ساختارشان را از این مجموعه وام گرفته‌اند. گرچه در طول تاریخ هر سلسله‌ای بخشی به آن می‌افزود و در رونق آن می کوشید اما در دوره صفوی، آستان قدس رضوی بیشتر از هر دوره‌ای توسعه یافت و منظم شد؛ توسعه و نظمی که شاهکار مدیریت شهری زمان خود و جهان قدیم است؛ مجموعه‌ای که شبانه روزی، در پنج نوبت یا شیفت کاری مشغول به کار بود و شمار بسیاری خادم و مستخدم، با رعایت سلسله مراتب اداری و نظام کاری مشابه دربار صفوی تبریز، قزوین و اصفهان، در آن مشغول به کار بودند.

سازمان امروزی آستان قدس رضوی، ادامه همان تشکیلات قدیمی است و یکی از آثاری است که می تواند در فهرست میراث معنوی یا ناملموس ایران به ثبت برسد.



در بارگاه سلطان

مراسم تحویل و تحول خدام هرروزه در آستان قدس با نظمی خاص انجام می‌شود. این رسم در تشکیلات دیوانی دوران صفوی هرروز پنج نوبت به انجام می‌رسید؛ خادمان، منظم، مؤدب، دست‌بسته و خبردار به نشانه احترام روبه‌روی هم صف می‌کشیدند و تا مراسم به پایان نمی‌رسید، فرمانده قزلباش فرمان آزادباش نمی‌داد / عکس: مسعود نوذری



قبض‌های دیروز، افتخار امروز

امروزه بسیاری از مردم قبض‌های آب، برق، تلفن، گاز، عوارض شهرداری، رسید و فاکتور خرید و... را مدتی نگه داشته و بعد دور می اندازند. اما خدا را شکر که قدیمی‌ها این کار را نکردند و در میان صدها هزار سند تاریخی آستان قدس رضوی اوراق حساب و کتاب دخل و خرج آن به خط سیاق که خط ویژه ایرانیان برای حساب و کتاب بوده موجود است. برآورد قیمت سوخت آستان در سال ۱۰۱۱ هجری قمری، صورت ظروف مسی آستان در ۱۱۳۱، روزنامه شربتخانه آستان در ۱۰۸۵، صورت پرداخت حقوق کتابدار کتابخانه آستان در ۱۰۹۵ فقط چند برگ جالب از این مجموعه است

اسناد: سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

مدیران صفوی این مجموعه فکر همه چیز را کرده بودند و رفاه و راحتی زائران را در هر حال در نظر داشتند. ساختاری که می‌توانست در آن واحد به هزاران زائر و مسافر اسکان دهد و خدمات رفاهی ارائه کند و با وجود حجره‌ها و کاروانسراهای بیشمار در اطراف که امروزه جای خود را به هتل‌ها و هتل آپارتمان‌های چند ستاره داده‌اند، یکی از قدیمی‌ترین هتل‌های جهان باشد. زائری که در عصر صفوی به زیارت می‌آمد، از در که وارد می‌شد، کفش‌ها را به کفشبانان تحویل می‌داد، در حجره‌ای مجاور می‌شد، به زیارت و عبادت می‌پرداخت و در سفره‌خانه از او پذیرایی می‌شد. قصابان زیر نظر صاحب جمع قصابخانه گوشت تازه را از سلاخ‌خانه آورده و آماده می‌کردند. گوشت در مطبخ به دست کبابچی و بریان‌پز و حلیم‌پز به شکل کباب و بریانی و حلیم آماده می‌شد. در خبازخانه، آسیابان، منقی (پاک کننده گندم)، خمیرگیر، خباز (نانوا)، خلیفه و شاطر، نان گرم را آماده می‌کردند. سقاخانه و شربت‌خانه، آب و نوشیدنی‌های همراه خوراک را آماده می‌کردند و میوه‌خانه و حلواخانه، دِسر را مهیا می‌ساختند و ذخیره و اضافه محصولات غذایی در انبارها و سردخانه‌ها نگهداری می‌شدند. در کنار این مجموعه بزرگ خدماتی، یک مجموعه تاسیساتی هم گرم کار بود. سوخت مطبخ و حمام و... در هیمه‌خانه نگهداری می‌شد و ظروف، دیگ‌ها و لوازم دیگر در حوایج‌خانه نگهداری می‌شدند. کاشی‌ها و ظروف سفالی در داش‌خانه ساخته و پخته و آماده می‌شد. شماعانِ شمع‌خانه، چراغچیانِ چراغ‌خانه و مشعل‌دارانِ مشعلخانه روشنایی روز و شب حرم و بخش‌های مختلف را تدارک می‌دیدند. بخش دیگر این شاهکار، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی بود. اگر خدای ناکرده کسی مریض بود در دارالشفاء (بیمارستان) پزشکانی با تخصص‌های مختلف (داخلی، جراحی، چشم پزشکی، اعصاب و روان) او را معاینه و درمان می‌کردند و از خدمات پرستاری زنانه و مردانه، حجامت، سلمانی و حمام هم بهره‌مند می‌شد. جالب‌تر اینکه بخش بیماران روانی از بخش بیماری‌های دیگر جدا بود و هر بخش کارکنان و پزشکان خود را داشت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های آستان به ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی مشغول بود. کودکان در مکتبخانه‌ها و دانشجویان و طلاب در مدارس و کتابخانه‌های مجهز به هزاران نسخه خطی بدون پرداخت وجه و با دریافت کمک هزینه ماهانه که اصطلاحا به آن شهریه می‌گفتند، درس می‌خواندند. باقی مانده آن کتابخانه‌های بزرگ که از گزند روزگاران در امان مانده، بیش از ۸۰ هزار نسخه خطی و بیش از ۶ میلیون برگ سند تاریخی است که امروزه در اختیار دارد. دارالایتام و مکتب‌خانه آن هم به نگهداری، سرپرستی و تربیت کودکان یتیم می‌پرداختند و به همین خاطر آستان قدس رضوی یکی از قدیمی‌ترین موسسات خیریه دنیاست. این همه بی حساب و کتاب انجام نمی‌شد و برای هزینه کردن هر قران و سکه‌اش اسناد اداری فراوانی از آن عصر در میان ۶ میلیون سند تاریخی کتابخانه موجود است. کرکراقخانه به جمع‌آوری نذورات و صدقات می‌پرداخت و حساب مالی و انبارداری هر بخش را عزب دفتر زیر نظر خزانه، نگه می‌داشت. البته گردش مالی این مجموعه بزرگ و حقوق مستخدمان آن فقط از راه نذورات تامین نمی‌شد و سهم عمده آن را اجاره موقوفات تامین می‌کرد. اما شاید مهم‌ترین بخش این مجموعه حراست آن بوده است. فراشان، دربانان، خادمان و حافظان، نظم و امنیت مجموعه را برقرار می‌کردند و پیوستن به جمع آنان آداب و شرایط خاص داشته و دارد. گرچه، درِ این مجموعه شبانه روز به روی ایرانیان و مومنان از سراسر سرزمین‌های اسلامی باز بود، اما اجنبی و فرنگی و ینگی حق ورود نداشت. فراشان و مفتشان دوران صفوی و گزمگان قزلباش که مو را از ماست می‌کشیدند، قرن‌ها پیش از پدید آمدن سازمان‌های اطلاعاتی غربی، مراقب حرمت حرم و گنجینه‌های آن بودند. به همین خاطر در طول تاریخ کمتر کسی از اروپاییان، جز چند تن آن هم با اجازه از شاهان وقت، امکان ورود به آستان را پیدا کرده‌اند. قصه به اینجا که رسید شاید بد نباشد که بخشی از خاطرات Cynthia Helms همسر Richard Helms، یکی از روسای اسبق سازمان CIA و سفیر ایالات متحده در ایران از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶ میلادی، از بازدید آستان قدس رضوی را از کتاب خاطرات او با عنوان خاطرات همسر یک سفیر در ایران (An Ambassador's Wife in Iran) بخوانیم، که به فارسی هم ترجمه و چاپ شده است: «سالیان درازی است که سیاحان خارجی برای دیدن حرم کوشیده‌اند و فقط در سال‌های اخیر عده بسیار قلیلی اجازه ورود یافته‌اند. من و دیک در آرزوی دیدار آنجا می‌مردیم. این فرصت وقتی نصیب ما شد که استاندار خراسان دیک را برای دیدار رسمی به مشهد دعوت کرد. استاندار پیشنهاد کرد که هر چه زودتر به آنجا برویم زیرا از هفته بعد آن تعطیلات مذهبی طولانی در پیش بود. در ایام تعطیلات مشهد خیلی شلوغ‌تر می‌شد و قطعا نمی‌توانستیم از حرم دیدار نماییم.... استاندار به دیدار ما آمد... و خبر داد که ترتیب دیدار حرم را برای ما داده و فردا صبح اتومبیلی برای بردن ما خواهد فرستاد. شب نتوانستم بخوابم. بارها سرنوشت کسانی را شنیده بودم که مدت‌ها به انتظار دیدار حرم مانده و سرانجام ناامید شده بودند. یقین داشتم واقعه‌ای روی می‌دهد و به ما هم اجازه ورود نمی‌دهند. صبح زود بلند شدم و اطراف باغ پرسه زدم... نزدیک ظهر اتومبیل برای بردن ما... آمد. می‌بایست جداگانه برویم. مردها با هم و زن‌ها با هم. هر چه به حرم نزدیک‌تر می‌شدیم، اضطرابم افزایش می‌یافت.... همین که نزدیک‌تر شدیم، حالت وحشتی که به هنگام ورود به اماکن مقدس به من دست می‌دهد از بین رفت و ترسم کاهش یافت. عظمت مناره‌ها و گنبدها که سر به آسمان کشیده بودند، شکوه رنگ‌ها، رنگ طلایی و آبی گنبدها تقریبا مرا مدهوش کرده بود. در این روز رنگ زرد، آبی تیره و سفید کاشی‌ها که با خط نسخ و کوفی پیام قرآن را اعلام می‌کردند در زیر آن آسمان صاف و روشن حالتی آسمانی داشتند. لباس تیره و آستین بلندی پوشیده بودم. نزدیک صحن ایستادم و به اتفاق خانم استاندار چادر به سر کردیم. نگه داشتن چادر روی سر و جلوگیری از لغزیدن آن کار آسانی نیست، مگر اینکه دو طرف آن را به طور مخصوصی در طرفین صورتتان تاب بدهید، خیلی کوشش کردم تا مثل دیگر زنان توانستم چادر را لای دندان‌هایم نگه بدارم.... وقتی به طرف صحن بزرگ می‌رفتیم نگاه‌های حیرت زده‌ای را که متوجه‌ام بود حس می‌کردم، سرم را پایین انداخته بودم، احتمالا چادر را به شیوه خانم‌های ایرانی بر سر نداشتم. در آن اطراف عده زیادی زائر را می‌دیدم که بعضی از مسافات دور آمده بودند. همه خاموش بودند و گویی بر این تجربه پر هیجان ما نظاره می‌کردند. یقین داشتم بودن در آنجا برای بسیاری تنها آرزوی زندگی شمرده می‌شود.

روزی سه بار حرم و مساجد را پاک کرده و کف آنها را شسته و با پارچه می‌ساییدند و سپس همه جا را گلاب می‌پاشیدند. ضمن طی کردن صحن و نزدیک شدن به سرسرای ورودی، دیدیم که زائران روی زمین‌های مرمرین زانو زده و به دعا مشغولند و تسبیح می‌اندازند. در جلو هر زائری قرآن و قطعه پهن و کوچکی از گل که مهر می‌نامند قرار داشت. هنگامی که خم می‌شدند، سر خود را روی آن می‌گذاشتند. شوهرم را دیدم و سه بار از کنارش گذشتم، ولی مرا که چادر بر سر داشتم نشناخت. عده‌ای که برای گرفتن شمع در حرکت بودند، مرا با خود بردند. نمی‌دانستم که چه باید بکنم، اما شخصی که شمع توزیع می‌کرد نگاهش با چشمانم تلاقی نمود، مرا نادیده گرفت. می‌فهمید که چشم‌های سبز و موهای طلایی با چهره ایرانی تطبیق نمی‌کند». ■

ساختار اداری آستان قدس رضوی یکی از آثاری است که می‌تواند در فهرست میراث معنوی یا ناملموس ایران به ثبت برسد

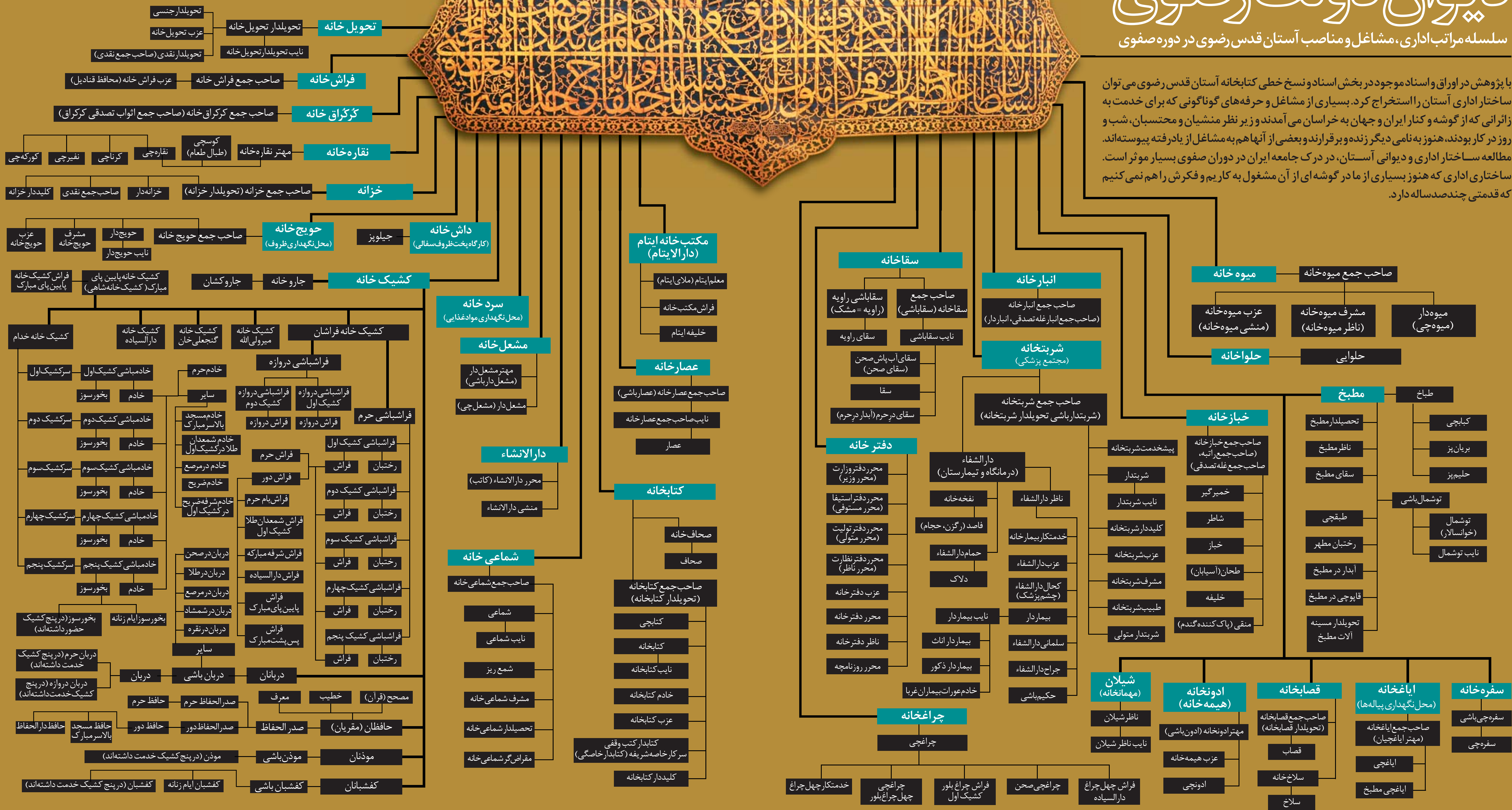
ما به سلام آمدیم

مراسم سلام خدام و رفت و روب آستان گرچه از دوران صفوی به بعد رونقی دو چندان یافته، اما یک هزاره است که همیشه به پا بوده است. جالب‌تر، مراسم روزانه تعویض نوبت کاری یا شیفت خادمان است که با همه جذابیتش، چون به طور خصوصی انجام می‌شود، از نادیده‌های این آستان است / عکس: سعید محمودی ازناوه

دیوان دولت رضوی

سلسله مراتب اداری، مشاغل و مناصب آستان قدس رضوی در دوره صفوی

با پژوهش در اوراق و اسناد موجود در بخش اسناد و نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی می توان ساختار اداری آستان را استخراج کرد. بسیاری از مشاغل و حرفه‌های گوناگونی که برای خدمت به زائرانی که از گوشه و کنار ایران و جهان به خراسان می آمدند و زیر نظر منشیان و محتسبان، شب و روز در کار بودند، هنوز به نامی دیگر زنده و برقرارند و بعضی از آنها هم به مشاغل از یادرفته پیوسته‌اند. مطالعه ساختار اداری و دیوانی آستان، در درک جامعه ایران در دوران صفوی بسیار موثر است. ساختاری اداری که هنوز بسیاری از ما در گوشه ای از آن مشغول به کاریم و فکرش را هم نمی کنیم که قدمتی چندصدساله دارد.



در تنظیم این ساختار از نمودار موجود در کتابچه «اسناد تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه» استفاده شده است.

طراحی نمودار: علی عطائی

موزه‌ای از زر

موزه‌های آستان قدس رضوی رکورددار بیشترین بازدیدکننده هستند. یادگارهای قدیمی و جذاب و منحصر به فرد آستان، چشم بینندگان را خیره می کنند(عکس راست). زرنوشته‌های بی‌نظیر ضریح که کار قلمزنان اصفهانی است و آن سنگ سپیدی که در میان است و می گویند شاید یکی از قدیمی ترین سنگ‌های مزار آستان باشد و در زمان سلطان سنجر سلجوقی بر آن عباراتی از آیات سوره مائده را از مرمر تراشیده‌اند، تنها گوشه‌ای از این گنج پر گوهر است/ عکس:مهدی قربانی

[گنجینه]

مردمی‌ترین موزه دنیا

۱۲ قرن است که مردم تماشاگر و اهداکننده آثار نفیس آستان قدس رضوی هستند

علی شهیدی

در حمله ازبکان به خراسان و ماوراءالنهر گویا الماسی درشت از گنجینه آستان قدس رضوی به سرقت رفته بوده که شاه عباس صفوی آن را از چنگ ازبکان در آورد و به فتوای علما فروخت و املاک بسیاری خرید و وقف آستان کرد. بسیاری از ایرانیان در طول تاریخ همه دار و ندار خود را وقف آستان قدس رضوی کرده‌اند؛ از آنانی که فرزندی نداشته‌اند گرفته تا کسانی که سپردن گنجینه‌های پیشینیان را به این آستان خردمندانه تر از سپردن به وارثان ناخلف می‌دانستند؛ از مردم کوچه و بازار گرفته تا پادشاهانی که تاج و نگین خود را وقف این درگاه کرده‌اند؛ میرزا سراج‌الدین حاجی میرزا عبدالرئوف در سفرنامه‌اش با عنوان «تحف بخارا» نزدیک به یک قرن پیش، به گویش بخارایی درباره زیارت آستان نوشته: «در دیوارها اسباب گرانبها و جواهرات قیمتی بسیار نصب کرده‌اند. بالای سر دو تاج سلطنتی مکلل به جواهر آینه گرفته به دیوار نصب است. یکی از آن ناصرالدین شاه است که وقتی به زیارت آمده گذاشته است و چند دانه سنگ‌های گرانبها آویزان و معلق می‌باشد».

یکی از افتخارات موزه انگلستان (British Museum) این است که برای نخستین بار در جهان در قرن هجدهم میلادی درهایش را به رایگان به روی عموم باز کرده؛ غافل از اینکه قرن‌ها قبل مجموعه آستان قدس رضوی که به جرات می توان آن را یکی از بزرگ ترین موزه‌های جهان دانست، درهایش شبانه روز به رایگان به روی مردمان باز بوده است. در طول قرن‌ها، در مجموعه آستان قدس رضوی موزه‌ها پدید آمد و موزه‌ها و گنجینه‌های بسیاری وقف آستان شد. گنجینه‌های قرآن، فرش، منسوجات، سلاح، تمبر، اسکناس، مسکوکات و مدال، نقاشی، مرجان ها، صدف ها و دیگر موجودات دریایی، ابزار نجومی و ساعت بخشی از این گنج بی‌پایان هستند. سرآمد این موزه‌ها موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک است. این موزه که امروزه در میدان مشق یا باغ ملی تهران جای دارد، مجموعه موقوفات بی‌نظیر مرد فرهیخته و فرهنگی، حسین آقای ملک را در خود جای داده است. انبوه آثار موزه‌های آستان را نمی توان در این مجال معرفی کرد. تنها نیم‌نگاهی می اندازیم به چند اثر که بیشتر با سلطان آستان مرتبطند.

عکس اشیاء: معاونت موزه‌ها و مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی



سکه‌های ۱۲۰۰ ساله

مامون خلیفه عباسی مایل بود تا دارالخلافه‌اش بر خلاف دیگر خلفا در خراسان باشد تا بغداد. این بود که سکه‌های زرین را بیشتر در سمرقند ضرب می کرد و ولایات مجاز به ضرب سکه سیمین بودند. شکل سکه‌های ضرب سمرقند بسیار صاف و صوف تر و منظم تر از سکه‌های ضرب سپاهان است و سکه های زرین سمرقندی بر سیمین سپاهانی بر تری دارند/ عکس: موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک سروش میلانی‌زاده







سکه ولایتعهدی سلطان آستان

این دو روی سکه طلای ولایتعهدی علی بن موسی الرضا(ع) است که مامون در سال ۲۰۲ قمری در سمرقند ضرب کرده. سمرقند یکی از شهرهای باستانی ایران است که در آن روزگار در ولایت خراسان بزرگ بوده و امروزه در ازبکستان است. وزن این سکه چیزی بین سکه ربع و نیم بهار آزادی فعلی است و روی آن نوشته: الله / محمد رسول الله / المامون خلیفه الله / مما امر به الامیر الرضا ولی عهد المسلمین علی بن موسی بن علی بن ابی طالب
عکس: موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، امید محکمی



زمزمه‌های زیارت

زیارتنامه‌های آستان را قالیبافان با تار و پود ابریشمین، خطاطان با قلم زرین و قلمزنان بر صفحه زرکوب فولادین، زمزمه می کردند. هر صنعتگری با هنرش به زیارت سلطان آستان می آمد و با ثبت نام و نشان خود در این آستان، جاودان می‌شد. این زیارتنامه قلمزنی مشبک فولادین یکی از آن یادگارهای ماندگار است



تویی قفل گنجینه‌ها را کلید

این قفل رمزی ضریح قدیمی آستان بوده که لنگه‌اش را در کمتر موزه جهان می توان دید. در قدیم قفل‌های در ضریح را که شاهکارهای صنعت ایرانی بودند، از برنج زرکوب و زرنگار می‌ریختند. قفل‌هایی که به جای کلید، رمز داشت و رمزش را کسی می‌دانست که به قول نظامی، قفل گنجینه‌ها را کلید بود

خط حضرت

کتابخانه آستان هزاران قرآن خطی و نسخه نفیس از دوره‌های مختلف تاریخی دارد اما این نسخه چیز دیگری است و نگارش آن منسوب به شخص امام هشتم(ع) است. شاه عباس صفوی چند نسخه نفیس قرآن را که کتابت آنها منسوب به امامان شیعیان بوده، تقدیم و وقف آستان کرده





امن و امین

این طاووس فولادی مشبک و فیروزه‌نشان، یکی از آثار زیبای موزه‌های آستان است و کار دوره صفوی. ایرانیان در طول تاریخ، نفایس و گنجینه‌های ایرانی را برای در امان ماندن از حوادث ناگوار و غیرقابل پیش‌بینی روزگار، با ارادت به آستان خراسان می‌سپردند که امن بود و امین. به قول عطار نیشابوری: طاووس رخش چو کرد یک جلوه/ عقلم چو مگس دو دست بر سر زد



زیارتنامه برادر

این نخستین برگ از یک نسخه نفیس و نازنین زیارتنامه آستان است که محمد تقی مشهدی در سال ۱۲۶۰ قمری برای آن کم نگذاشته. امروزه دیگر کسی برای زیارتنامه‌ها این قدر مایه نمی گذارد که او گذاشته، به همین خاطر اثرش به صلوات خاصه مشهور شده. محمد تقی به خط خوش، پس از بسم الله نوشته: اللهم صل علی علی بن موسی الرضا المرتضی
عکس: موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک امید محکمی

ویترین‌های ایرانی

در گذشته‌های دور، پیش از آنکه موزه‌های حرم مستقل شوند، بخشی از اشیا و آثاری که وقف آستان می‌شدند، درون قاب‌هایی، دیوارهای اطراف ضریح را می آراست و حرم را تبدیل به موزه‌ای تماشایی می کرد. بسیاری از این قاب‌ها هنوز هم محکم سر جایشان ایستاده‌اند و در واقع قدیمی ترین ویترین‌های موزه‌های ایرانی‌اند/ عکس: مسعود نوذری

مقراض شماعان

در دوره صفوی، شماعی خانه و چراغخانه آستان، بارگاه سلطان را نورافشان نگاه می‌داشتند. در این میان مقراض گر شماعی‌خانه با قیچی مخصوص گِلگیری شمع، سر شمع هایی را که مدتی روشن بودند، می گرفت و سر فتیله را برای افروختن دوباره، بر می آورد

زیارتنامه خواهر در موزه برادر

این سوزنی یزدی، زیارتنامه خواهر گرامی سلطان آستان است و کار محمد حسین شریف یزدی که به امانت نزد موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک قرار دارد. این پرده زیبا را بر در می آویخته‌اند تا زائران پیش از ورود، ذکر زیارت را بخوانند و به هنگام ورود با لمس آن متبرک شوند. دوبیتی فارسی‌ای روی آن نقش بسته که بیت نخست‌اش در قاب بالای کار این است: یا حضرت معصومه فدای تو شوم/ قربان حریم کبریای تو شوم/ عکس: موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک، آزاده جزنی

راهنمای سفر

مسیر سفر
وقتی امام طلبید

اقامت
خانه‌ای گرد خانه‌اش

زیارت
گریه شب‌های عتیق

سیاحت
سوار سنگی

موزه
گنج در گنج

سوغات
طلای سرخ با عکس یادگاری

سفر به آسمان هشتم

مشهدالرضا(ع) اولین مقصد زیارتی ایران

عکس: جواد منتظری

خانه دوست
برای رفتن به مشهد از پایتخت، دوراه زمینی وجود دارد؛ یکی مسیر تهران – سبزوار است که با رنگ نارنجی در نقشه دیده می‌شود و دیگری مسیر شمالی که در نقشه با رنگ آبی مشخص شده‌است
اینفوگرافی: علی عطائی

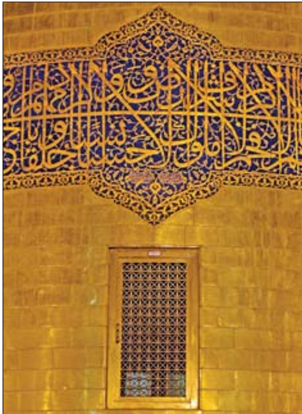
دیدار با یار غریب

راهنمای سفر زیارتی و سیاحتی به مشهد مقدس

احسان ناظم‌بکایی

هر سال ۱۳ میلیون زائر به مشهد مقدس سفر می‌کنند و این شهر به واسطه مرقد مطهر امام رضا(ع) پرمسافرترین شهر ایران است. علاوه بر نوروز و تابستان مناسبت‌هایی وجود دارند که در آنها بیشترین زائر راهی مشهد می‌شوند. دهه اول محرم، از اربعین تا ۲۸ ماه صفر و روز تولد امام هشتم شیعیان، مشهد شلوغ‌ترین شهر ایران است. در این ایام، مردم بسیاری از اطراف و اکناف ایران و از هر شهر و روستایی عزمشان را جزم می‌کنند تا به مشهد بروند و چند روزی در این شهر اقامت کنند. مشهد بیشترین مسافرخانه‌ها و هتل‌ها را بین شهرهای ایران دارد تا بتواند جوابگوی اقامت میلیون‌ها زائر باشد. با این حال مهم‌ترین دغدغه مسافران این شهر اقامت است. از طرفی برنامه‌ریزی برای زیارت حرم مطهر از دیگر دغدغه‌های مسافران است. اگر می‌خواهید اسکان ارزان نزدیک حرم داشته‌باشید، غذای سالم و ارزان یا شیک و باکیفیت بخورید، سوغات مناسب بخرید و از همه مهم‌تر در ساعت‌هایی که حرم خلوت است به زیارت بروید، خواندن این راهنما را از دست ندهید.

رونمای حضرت
هر کس اولین‌بار به زیارت امام رضا(ع) مشرف شود می‌توانید از او رونما بگیرید. از وقتی شاه‌عباس پیاده از اصفهان به مشهد رفت و دستور داد گنبد و گلدسته ۳۱ متری طلا را بسازند، رونماگرفتن باب شد. در روزگاری که زائران با کاروان می‌رفتند، کاروان‌سالار رونما می‌گرفت و وقتی اتوبوس‌ها زائران را می‌بردند، راننده و شاگردش از کسانی که اولین‌بار بارگاه را می‌دیدند، رونما می‌گرفتند
عکس: محسن بخشیده



سفرنامه طلایی
عباراتی که روی گنبد نوشته‌شده‌اند برعکس ظاهرشان آیه یا زیارت نیستند و متن اصلی‌شان در مفاتیح‌الجنان آمده و در واقع حکایت سفر پیاده شاه‌عباس به پابوسی امام(ع) است
عکس: مسعود نوذری

چطور برویم؟

وقتی امام طلبید

برای رسیدن به مشهد مانند خیلی از شهرهای دیگر می‌توان از راه‌های هوایی، ریلی و جاده‌ای استفاده کرد. معمولا قطار و اتومبیل از هواپیما پرطرفدارترند؛ طوری که ۸۵ درصد از مسافران از طریق خودروی شخصی وارد مشهد می‌شوند. بعضی‌ها هم که با قطار می‌روند خودروی‌شان را سوار واگن‌های خودروبر می‌کنند و در راه‌آهن مشهد تحویل می‌گیرند. این کار نزدیک ۵۰ هزار تومان هزینه دارد.

هواپیما

تقریبا بیشتر شهرهای ایران به مقصد فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد پرواز دارند و این پروازها بسته به فصل و افزایش سفرها زیاد و کم می‌شود. قیمت بلیت پرواز یک ساعت و ۱۰ دقیقه‌ای تهران – مشهد حدود ۵۵ هزار تومان است. این گزینه فقط مناسب سفرهای اداری و سریع است و الا برای سفرهای خانوادگی و دسته‌جمعی، هزینه بلیت از هزینه کل سفر بیشتر می‌شود. به فرودگاه که رسیدید زیاد نگران رسیدن به مقصد نباشید. بعضی از هتل‌های مشهد در فرودگاه سرویس رفت و آمد دارند و حتی بعضی از آنها با خودروی ون دنبال مسافرهای رزروشده می‌آیند. گذشته از اینها فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد در کل شبانه روز مملو از تاکسی است؛ هرچند بهتر است از تاکسی‌های فرودگاه جهت رسیدن به مقصد استفاده کنید.

قطار

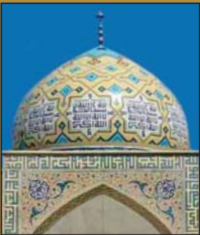
بهترین گزینه برای سفر دسته جمعی به مشهد قطار است. قیمت بلیت قطار از ۶۰۰۰ تا ۲۸ هزار تومان متغیر است. مسیر قطار تهران – مشهد تقریبا به موازات جاده پایین است و انواع و اقسام قطارها از سبز و سیمرغ و اتوبوسی و درجه یک و دو تا غزال در آن تردد می‌کند. این مسیر را قطارها بسته به نوعشان در ۸ تا ۱۸ ساعت طی می‌کنند. در بعضی از قطارها یک وعده غذا هم سرو می‌شود که معمولا چلومرغ است.
اگر دسته جمعی به سفر می‌روید، طوری بلیت بگیرید که در واگن‌ها پراکنده نشوید چون جمع کردن افراد و چانه زدن با بقیه مسافرها و ماموران قطار سر جابه‌جاکردن صندلی‌ها وقت و انرژی زیادی می‌گیرد.

راه دیار یار

اگر بخواهید از تهران با خودروی شخصی راهی مشهد شوید دو جاده اصلی وجود دارد؛ یکی مسیر تهران – سبزوار که به جاده پایین و جاده اصلی و ترانزیتی تهران مشهد معروف است. دومی هم مسیر شمالی است که موازی جاده پایین ولی آنسوی کوه‌های البرز است و از میان مناطق سرسبز گلستان می‌گذرد. شما در این مسیر می‌توانید شهرهای خراسان شمالی مثل بجنورد، قوچان و شیروان را هم ببینید.
طبق نقشه‌ای که در بالای صفحه آمده‌است، کسانی که بخواهند از تهران فقط به قصد زیارت امام رضا(ع) راهی شوند، جاده پایین را انتخاب می‌کنند چون بیشتر مسافت ۹۵۰ کیلومتری تهران – مشهد چهار بانده و جاده صاف و مستقیم است. این جاده از چهارراه خاوران تهران شروع می‌شود و مسیر ابتدایی آن که در تهران قرار دارد به بزرگراه امام‌رضا(ع) معروف شده. شهرهای عمده مسیر؛ گرمسار، سمنان، دامغان، شاهرود، سبزوار و نیشابور هستند. این مسیر کویری و گرم است و به خصوص فاصله شاهرود تا سبزوار خیلی طولانی ولَم‌یزرع است و جذابیت‌های مرسوم یک جاده تفریحی مثل بیشه‌زار و رودخانه را ندارد.
معمولا در بیشتر ایام سال به جز نوروز و تابستان بیشتر خودروهای عبوری آن سنگین و عمومی است. اتوبوس‌ها هم بیشتر این مسیر را می‌روند و مبادی آنها در تهران پایانه‌های جنوب و بیهقی است. بین راه می‌توانید از شاهرود انگور، برگه هلو و از دامغان پسته بخرید.
مسجد جامع سمنان، تاریخانه دامغان، امامزاده محروق، مسجد جامع، آرامگاه خیام و کمال‌الملک و قدمگاه در نیشابور از جاهای دیدنی و البته نزدیک به جاده اصلی هستند. اگر حوصله رفتن تا شاهرود و ادامه جاده کویری را نداشتید، می‌توانید مسیرتان را عوض کنید و به جاده بالا بروید. جاده میان بُر بسطام، محور ارتباطی دو جاده بالا و پایین است.
جاده بالایی هم که در نقشه با رنگ آبی مشخص شده با اینکه طولانی‌تراست ولی متنوع‌تر و زیباتر از جاده اول است.
از تهران بعد از عبور از جاده فیروزکوه یا هراز می‌توانید با عبور از شهرهای کوچک و بزرگ مازندران و گلستان به مشهد برسید. جذاب‌ترین بخش این مسیر عبور جاده از وسط پارک ملی جنگلی گلستان است. آنها که سالی چند بار مشهد می‌روند می‌گویند جاده بالا برای برگشت بهتر است چون هم خستگی سفر کویری را از تن بیرون می‌کند و هم سوغاتی‌های بین‌راهی هم به سوغات مشهد اضافه می‌شود. پایانه شرق تهران، توقفگاه اتوبوس‌های جاده بالاست.



ستارگان خراسان
اشیای تاریخی و قیمتی زیادی در موزه آستان قدس رضوی وجود دارند؛ در بخشی از موزه ساعت و ابزار نجوم قرار گرفته‌اند. اسطرلاب‌های منحصر به فرد موزه و شاهکارهای علمی ایرانیان در مهندسی و نجوم از دیدنی‌های بی‌نظیر این بخش است



عارف خلوت‌گزین
ابتدای خیابان نواب صفوی پیرامون حرم امام(ع) جایی دنج و خلوت وجود دارد که ازدحام و شلوغی به آن راه ندارد. این بنای آجری با گنبد فیروزه‌ای روی آرامگاه شیخ محمد عارف، معروف به پیر پالاندوز ساخته شده است. وی که شغل پالان دوزی داشته از بزرگان عرفان و تصوف خراسان در زمان خود بوده است



محبوب قلب‌ها
زائران آستان قدس، محدوده سنی یا جغرافیایی ندارند؛ شیعیان کشورهای عربی بخشی از زائران را تشکیل می‌دهند و بعضی از آنها برای تمام سال اتاقی را در هتل‌های مشهد رزرو کرده‌اند تا در روزهای پرازدحام مشهد همچون روز میلاد حضرت در شهر سرگردان نشوند
عکس: مسعود نوذری(بالا) / جواد منتظری(چپ)



مساله مهم اقامت

خانه‌ای گرد خانه‌اش

برای آنهایی که اولویت اولشان زیارت است نزدیکی به حرم اهمیت زیادی دارد. تنوع محل اسـکان در نزدیکی حرم زیاد اسـت. از هتل‌های پنج ستاره تا مسافرخانه و حتی اتاق‌های خالی خانه‌های مجاور می‌توانند جزو گزینه‌های انتخابی شـما باشند که انتخاب آنها به پول و تعداد همراهانتان بستگی دارد. قیمت اتاق درهتل‌های چهارسـتاره و پنج‌ستاره از شـبی ۲۵ تا ۵۰ هزار تومان متفاوت اسـت که این رقم بسـته به فصل و تعـداد زائـران تغییر می‌کند و البتـه منطبق با قانون اسـت. بنابرایـن از دیدن ارقام بالا در مناسـبت‌های خاص تعجـب نکنید. زائرسراها هم با کیفیت خدمات پایین‌تر وجود دارند که شـبی ۱۵هزار تومان می‌گیرند. مسـافرخانه‌ها هم قیمت‌های متنوعی دارنـد. هرچقدر تعدادتان بیشـتر و بچه کوچک در جمع زیادتر باشـد، بهتر اسـت جایی را بگیرید که هم خودتان راحت باشید و هم باعث آزار بقیه نشـوید. بدون شک یک هتل پنج‌ستاره محل مناسـبی برای اسکان یک خانواده شلوغ نیست. در ضمن محل اسـکان، زیاد برایتان مهم نباشد چون شما بیشـتر اوقات بیرون هستید و فقط برای خواب به آنجا می‌روید. مشـهد شهری نیست که با هتل‌نشینی سـازگار باشد. بی کیفیتی غذای محل اقامت هم اهمیتی ندارد. مشهد آن‌قدر رسـتوران و غذاخوری دارد که کمتـر پیش می‌آید زائری از رستوران هتلش استفاده کند. اگر هم اهل حاضری خوردن هستید قیمت میوه و مواد اولیه در مشهد نسبت به تهران ارزان‌تر است و به خصوص میوه‌هایی چون خربزه و انگور علاوه بر آنکه قیمت پایین‌تری دارند کیفیت‌شان هم از میوه‌های تهران بهتر است.

غذا خوردن در مشهد

سیر شدن با هر قیمتی

زیارتـی بودن مشـهد ایـن حسـن را دارد که شهر پر از رسـتوران است و شـلوغی و رفت و آمد زائران هم این حسـن را دارد که غذاها نمی‌مانند. با این اوصاف رستوران خوب در مشهد کم نیست. بیشـتر رسـتوران‌های اطراف حرم شـلوغ است و سرویس‌دهی آنها شاید به کیفیت بقیه جاها نباشد ولی سریع کار می‌کنند تا به همه مشتریان سرویس بدهند. رسـتوران‌های دور از حـرم و به خصوص حوالی کوه‌سنگی سـر و شـکل منظم‌تر، آرام‌تر و حتی گران‌تری دارند چون طیف مراجعان آنها هم متفاوت است. مراجعان رستوران‌های کنار حرم فقط می‌خواهند غذایی بخورند و به حرم یا محل اسکان بروند ولی رسـتوران‌های دور از حرم بیشـتر برای وقت‌گذرانی و غذاخوردن انتخاب می‌شود.

تماشایی از دیروز تا امروز
حال و هوای امروز اطراف مسجد گوهرشاد دیگر قابل مقایسه با گذشته نیست و کارگاه‌های حجاری جای خود را به ساختمان‌های جدید داده‌اند. با این حال هنوز که هنوز است نگاه عکاسان و زائران به خود جلب می‌کند
عکس: مسعود نوذری (راست)
آرشیو روابط عمومی آستان قدس رضوی (بالا)

موزه مرکزی آستان قدس

گنج در کنج

از غنی‌تریـن مجموعه موزه‌های ایران اسـت که اشـیای نفیس و گرانبهـا در موزه‌های جداگانه آن به نمایش درآمده اسـت. مجموعه سـکه‌های دوره‌های مختلف تاریخی، اشـیای عتیقه و تمبر، سلاح و نقاشی‌های مختلفی مثل آثار کمال‌الملک و فرشچیان (مثل تابلوی عصر عاشورا) تا مدال‌های جهان‌پهلوان تختی، کتیبه‌ها و نسخه‌های تاریخی در این موزه وجود دارد. این موزه در کنار صحن امام در بخش جنوبی حرم واقع اسـت. از آنجا که موزه جزئی از حرم به حساب می‌آید، همیشه شلوغ است و بازدیدکننده‌های زیادی دارد. قیمت بلیط ورودی موزه مرکزی ۵۰۰تومان است . این موزه هر روز از ۸ صبح تا ۶ بعدازظهـر و در ایام تعطیل از ۸ صبح تا ۱۲ ظهر باز است.

مسجد گوهرشاد

صفا قبل از سپیده

نماز صبح این مسـجد معروف را از دسـت ندهید. هرروز صبح زیر طاق ایـوان مقصوره نماز جماعت با حال و هوای معنـوی عجیبی برگزار می‌شـود. این بنا بزرگ‌ترین مسـجد چهار ایوانی ایران است و ایوان مقصوره در شـمال، بزرگ‌ترین ایوان و رو به حرم اسـت که با مقرنس‌کاری و کتیبه خط ثلث بایسنقرمیرزا کاشی‌کاری شده. در سمت چپ ایوان مقصوره، منبر چوبی صاحب‌الزمان(عج) قرار دارد که مربوط به دوره فتحعلی‌خان قاجار است. نماز جمعه و اعتکاف هم در این مسجد برگزار می‌شود. مسجد گوهرشـاد در سـال ۸۲۱ هجری قمری به دستور گوهرشادآغا- همسـر شـاهرخ تیموری- ساخته شده و معمارش قوام‌الدین شیرازی بوده که آن را با مساحت ۹۴۱۰ متر ساخته است.

صحن انقلاب

گریه شب‌های عتیق

صحن انقلاب مشـهور به عتیق بـه خاطر پنجره فولاد که بیماران با طناب خـود را به آن می‌بندند و روضه‌خوانی و زیارت‌خوانی‌هایش شب‌های عجیب و تاثیرگـذاری دارد. سـقاخانه اسـماعیل طلایی، پنجره فولاد، ایوان طلای نادری،ساعت صحن (در سمت غرب که هر ۱۵ دقیقه زنگ می‌زند) نقاره‌خانه در سمت شرق و همین‌طور قبرستان بهشت ثامن در زیرزمیـن از دیدنی‌هـای این صحن هسـتند که ۱۰۷ متر طـول و ۶۴ متر عـرض دارد و یادگار سلطان حسـین بایقرا در قرن نهم است. سقاخانه اسماعیل طلایی که آن را «اسمال طلا» می‌نامند مجموعه‌ای یکپارچه از سـنگ مرمر است که نادر شاه آن را از هرات آورده و گنجایش ۱۰۰۰لیتر آب را دارد. بعدها شخصی به اسم اسماعیل‌خان روی آن سقف زد و طلاکاری‌اش کرد.



سنگ خراسانی

فیروزه نیشابور که زبان زد خاص و عام است از سوغات اصیل خراسان است. اما چند سالی است که رقیب سرسختش، فیروزه امریکایی سهم بیشتر بازار خراسان را به خود اختصاص داده است

عکس:علی اصغر نصری



سوغاتی‌های همیشگی

خرید سوغاتی از مشهد آسان ترین کاری است که زائران می توانند انجام دهند. دورادور حرم پر از سوغاتی‌فروش است. زائران معمولا برای بستگان درجه اول و دوستان نزدیک، زرشک و زعفران می خرند و برای بقیه مهر و تسبیح

عکس‌ها: حامد جعفرنژاد



مراکز خرید

نگین‌های شرقی

مشهد سه پاساژ بزرگ و مدرن دارد؛ زیست خاور، پروما و الماس شرق که اولی به خاطر قدمت و پاتوق بودنش مشهورتر است. در مشهد تعداد زیادی پاساژ هم به اسم بازار روسی وجود دارند که بیشتر اجناس آنها لوازم خانگی هستند و از چین و کشورهای دیگر وارد می‌شوند. معروف‌ترین بازار روس در جنوب میدان شهدا قرار دارد اما برای پیداکردن سوغاتی با قیمت کمتر بهترین گزینه بازار بزرگ، قدیمی و معروف مشهد، «بازار رضا»است. این بازار که در شرق فلکه آب قراردارد، یک بازار سرپوشیده دو طبقه است. طبقه اول صدها فروشگاه دارد و طبقه دوم هم عموما کارگاه‌های کوچک انگشترسازی است. چند انگشترفروشی قدیمی که جنس‌های باکیفیتی دارد، در وسط بازار است. اسباب‌بازی‌فروشی‌های ابتدای بازار هم برای بچه‌های کوچک جذاب هستند.

زرشک و زعفران

طلای سرخ با عکس یادگاری

معروف‌ترین سوغات مشهد زعفران است که قیمتش مثل طلا به‌روز تعیین می‌شود. این روزها قیمت هر مثقال زعفران اعلا بیشتر از ۲۰هزار تومان است.

زرشک هم سوغاتی دیگری است که به مراتب از زعفران ارزان‌تر است و قیمتی حدود ۱۵ هزار تومان دارد. نخود و کشمش و انواع تنقلات و میوه‌های خشک هم از سوغاتی‌های خوردنی مشهد هستند.

بشقاب‌هایی هم هستند که داخل آن‌ها چند تار زعفران به اضافه مهر و تسبیح و یکی دو شاخه نبات وجود دارد که با روکش پلاستیکی پوشانده شده‌اند. این مجموعه‌ها که در حقیقت اشانتیون سوغاتی‌های مشهد هستند، حدود ۲هزار تومان قیمت دارند.

سوغاتی‌های غیرخوردنی مشهد هم بیشتر تسبیح، انگشتر عقیق، مهر و خلعتی است. تسبیح، از پلاستیکی چینی ۵۰۰ تومانی پیدا می‌شود تا شاه‌مقصود ۱۵۰ هزار تومانی و حتی بیشتر. تفاوت قیمت و کیفیت انگشتر هم همین‌طور است اما حدود ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان است چون از لحاظ وزن و کیفیت حد مشخصی دارند. کفش، کیف و لباس هم در مشهد قیمت مناسب و ارزانی دارند.

کتاب هم گزینه خوبی برای سوغاتی است. در اطراف حرم معمولا بعضی وقت‌ها حراج کتاب برپا می‌شود. به سر و شکل و ظاهر کهنه‌شان توجه نکنید چون ممکن است در بساطشان کتاب‌های نایاب هم پیدا شود. عکس‌های آتلیه‌ای و کارت پستالی با حرم هم گزینه خوب و یادگاری خاطره‌انگیزی از زیارت است با چاپ که ۶هزار تومان است.



اقتدار دیدنی

مقبره نادرشاه که با اقتدار، مهاجمان افغان را از ایران بیرون کرد، نزدیک ترین تفرجگاه به حرم امام(ع) است. تندیس زیبای این مقبره را ابوالحسن صدیقی، مجسمه‌ساز معاصر حدود۴۸ سال پیش از سنگ گرانیت ساخته

عکس: الیاس پیراسته

موزه نادرشاه
باغ رضوان
موزه مردم شناسی
کتابخانه مرکزی
بازار رضا

راه‌های راهیابی

در این نقشه راهنما که موقعیت حرم از بالا مشخص شده می توانید قرارگیری بعضی از اماکن را در کنار حرم ببینید

اینفوگرافی: علی عطائی

مقبره و موزه نادرشاه افشار

سوار سنگی

اگر از حرم امام(ع) به سمت غرب بروید، در باغی در ضلع شمال‌غربی چهارراه شهدا، نادرشاه را می‌بینید که جلوی باغی سوار بر اسبی از سنگ می‌تازد و چند سربازش هم در کنارش ایستاده‌اند. این مجموعه، ۴۸ سال پیش از سنگ گرانیت ساخته شده و علاوه بر مقبره، دو تالار در موزه نادری دارد؛ در یکی، سلاح‌های دوره افشاریه، تابلوهای نقاشی از نادر و صحنه‌های جنگ و وسایل جنگی‌ای مثل دو شمشیر متعلق به او نمایش داده می‌شود. در تالار دیگر، انواع سکه، ظروف و دیگر اشیای اهدایی از دوره صفویه تا الان به چشم می‌آید. آرامگاه کلنل‌پسیان، از مبارزان دوره مشروطه خراسان هم در این مجموعه قرار دارد. این موزه هرروز از هشت صبح تا چهار بعدازظهر باز است.

ییلاق‌های مشهد

کباب، اسکی، تفریح

طرقبه: نزدیک‌ترین و پر رفت و آمدترین ییلاق مشهد در ۱۸کیلومتری جنوب غربی شهر واقع شده و انواع رستوران و پاتوق خانوادگی در دو سوی رودخانه طرقبه وجود دارد.

شاندیز: حسن شهرت این ییلاق که در ۴۰ کیلومتری شمال‌غربی مشهد قرار دارد به خاطر رستوران‌های تروتمیز و کباب‌هایش است. یک پیست اسکی جمع و جور هم در منطقه وجود دارد که این ییلاق را در زمستان هم شلوغ می کند.

غار مغان: در ۳۰ کیلومتری جنوب مشهد، غاری در دره مغان هست که بسیار تماشایی است. این غار دهلیزها و راه‌ها و پیچ و خم‌های بسیار و قندیل‌های بزرگ استالاگتیت و استالاگمیت دارد. برای آنها که اهل طبیعت هستند، سفر به این غار می تواند تجربه‌ای فراموش نشدنی باشد.



کوه هر کاره

مشهورترین گردشگاه مشهد که شهر، خود را تا آنجا کشانده، کوه‌سنگی است که دو تپه کنار هم در دامنه کوه‌های جنوبی مشهد است و عمارتی ییلاقی هم دارد و بلواری هم به عرض ۱۸ متر در آنجا قرار دارد که هشت ردیف درخت در آن کاشته‌اند.
علاوه بر جنبه تفریحی این گردشگاه باید گفت که این کوه جایگاه خاصی درمیان مردم مشهد دارد و سنگ آن شهرتش جهانی است.
مشهدی‌ها از قدیم، علاوه بر ساخت سنگ آرامگاه، انواع و اقسام ظروف سنگی، دیگ خوراک پزی و سر قلیان از قطعات آن می تراشیده‌اند.
نکته جالب تر اینکه به عقیده مشهدی‌های قدیمی خاک این سنگ خاصیت طبی هم دارد و در درمان زخم‌ها و بعضی بیماری ها موثر است.
خلاصه اینکه یک ذره از سنگ این کوه حیف و میل نمی‌شود و به هرکاری می آید و به همین خاطر مشهدی‌ها به آن سنگ هرکاره می‌گویند

عکس:محسن موسوی‌زاده

ساقی طلایی آستان

قرن‌هاست که زائران و کبوتران آستان از سقاخانه‌اسماعیل طلایی آب می‌نوشند

محمدمهدی بهمنی

سنگابش را نادر غنیمت گرفت و خشت‌های طلایی‌اش را اسماعیل خان هدیه داد. به همین خاطر، هم به سقاخانه نادری معروف است و هم به اسماعیل طلا. می گویند سنگاب سقاخانه را که سه آب کر جا می گیرد، نادرشاه در هرات غنیمت گرفت و برای آوردنش به مشهد مسابقه گذاشت. تنها کسی که از پس سنگ گران برآمد، اسماعیل خان بود. اسماعیل سنگ را نه روزه از هرات به مشهد آورد تا نادرشاه هموزنش به او طلا جایزه دهد. اسماعیل هم درنگ نکرد، سنگ بزرگ و سکه‌های زرد رنگ را برداشت و برد تا با آنها سقاخانه‌ای وسط صحن عتیق (انقلاب) حرم علی بن موسی‌الرضا[ع] برپا کند.

سقاخانه اسماعیل طلا، یکی از تک و توک سقاخانه‌هایی است که هنوز آبی برای لبان تشنه مردم دارند. برپا کردن سقاخانه‌ها به خصوص در شهرهای کویری، رسم نیکی بود که بین توانمندان شهر خوب جا افتاده بود. این رسمی بود که از پیامبران به بانیان سقاخانه‌ها به ارث رسیده بود. مولانا واعظ کاشفی سبزواری در باب ششم کتابش که نامش «فتوت نامه» است، می‌نویسد: «اول کسی که از پیامبران سقایی کرد، حضرت نوح[ع] بود. زمانی که نوح به کشتی می‌نشست، (از سوی خداوند) امر آمد که آب شیرین با خود به کشتی بر که آب طوفان یک عذاب است، خوردن را نشاید... . نوح هر روز دو بار بر اهل کشتی آب می‌داد؛ بدین ترتیب که سبویی از خم برداشتی و پیمانه در دست گرفتی و هریک از اهل کشتی را پیمانه آب دادی».



سقاخانه‌دیروز
سقاخانه اسماعیل طلا مثل گنبد طلایی رنگ بارگاه علی‌بن موسی‌الرضا[ع]، تبدیل به یکی از نشانه‌های حرم شده بود. سقاخانه اسماعیل طلا و کبوترهایش وقتی در یکی از صحنه‌های فیلم‌های سیاه و سفید به چشم می آمد، همان اثری را بر دل مردم می گذاشت که گنبد باشکوه حرم داشت. زوار حتی اگر تشنه هم نبودند، حتما سری به صحن عتیق و سقاخانه‌اش می‌زدند
عکس: آرشیو روابط عمومی آستان قدس رضوی



میراث امروز
معماران در ساخت و تزئین سقاخانه‌ها سنگ تمام می گذاشتند، تا جایی که سقاخانه‌ها شده بودند عصاره معماری ایرانی. سال‌ها بعد در دهه هشتم قرن ۱۴ هجری، مردم با قیافه و سر و شکلی متفاوت از عکس سیاه و سفید صفحه روبه‌رو، همچنان بر اعتقادات و باورهایشان پافشاری می کنند و هنوز هم بعد از نوشیدن جرعه‌ای آب از سقاخانه حرم علی‌بن‌موسی‌الرضا[ع]، امام حسین[ع] و برادرش، ابوالفضل‌العباس را یاد می کنند
عکس: حسن غفاری

سقاخانه‌ها که احتمالا ساختشان از عهد صفوی مرسوم شده است، کم کم تعداد و اهمیتشان چنان بالا رفت که در هر کوچه و برزنی می‌شد نمونه‌ای از آنها را پیدا کرد. سقاخانه‌ها انواع مختلفی داشتند؛ بعضی از آنها برای خود یک بنای مستقل بودند، بعضی‌هایشان هم در واقع یکی از حجره‌های گذر بودند که مجهز به سنگاب و مخزن شده بودند.

سقاخانه حتی می‌توانست یک مخزن آب باشد درون خانه باعث و بانی‌اش و یک فرورفتگی در دیوار بیرونی خانه. اما سقاخانه‌ها فقط منبع آبی گوارا برای رفع تشنگی نبودند؛ هر کدام از این بناهای جمع و جور، در واقع یک یادمان و نشان بودند از سقای دشت کربلا، عباس‌بن‌علی[ع] و زنده کننده یاد امام حسین[ع] و یاران تشنه لبش. گاهی حتی بر سردر بناها نقشی از تمثال مبارک حضرت عباس[ع] نقش می‌شد که سوار بر اسب مشکی را به دندان می کشید، در حالی که اشقیا با قیافه‌های کریه و تیرهای به زه نشسته‌شان او را دوره کرده بودند. البته مردم برای گرامی داشتن سقاخانه‌ها دلایل دیگری هم داشتند؛ شیعیان آب را مهریه فرزند رسول‌خدا[ص]، حضرت زهرا[س] می‌دانستند و نشانه روشنی و برکت.

مردم کوچه و بازار چنان دلبسته این یادمان‌های مذهبی شده بودند که آنها را وسیله‌ای برای توسل به ائمه[ع] می‌دانستند و برای روا شدن حاجاتشان شمعی نذر می کردند تا شب هنگام سقاخانه‌ها را روشن کند و دل آنها را امیدوار. حتی آب بعضی از این سقاخانه‌ها برای مردم شفابخش بود و جرعه‌ای از آن می‌توانست درمان دردهایشان باشد. بانیان سقاخانه‌ها هم به یک «یا حسین[ع]» و «یا ابوالفضلی[ع]» که از لب سیراب شده تشنگان بیرون می‌آمد، دلخوش بودند و بس. ■





السلام علیک یا علی بن موسی الرضا علیه السلام

همزمان با میلاد پر برکت هشتمین اختر تابناک ولایت و امامت حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام
سامانه فروش اینترنتی محصولات فرهنگی آستان قدس رضوی به بهره برداری رسید



فروشگاه مرکزی : مشهد مقدس - خیابان خسروی - ورودی باب الجواد علیه السلام

تلفن : ۰۵۱۱-۲۲۵۰۲۰۴

فروش اینترنتی :

www.razavishop.com